

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

# بیکار ۵۳

سال دوم - دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ - بها ۲۰ ریال

## گرامی باد یاد شهدای بخون خفته خلق که در روزهای اخیر در کردستان و در دانشگاههای سراسر کشور بشهادت رسیدند!

گزارشی از راهپیمایی روز اول ماه مه در تهران:

### ۱۱ اردیبهشت، روز نبرد کارگر، علیه سرمایه دار



بدعت سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، راه کارگرو سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، روز ۱۱ اردیبهشت هزاران نفر در خیابان ۱۶ آذر خیابانی که بیاید بود حماسه آفرینی دانشجویان انقلابی خیابان مقاومت نامیده شده است، گرد آمده بودند. ساعت ۱۰ صبح جمعیت با شعار "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد" آماده حرکت شد و آنگاه پس از خواندن سرود انترناسیونال به طرف بقیه در صفحه ۱۱

درباره

### صندوق اعتصاب

صفحه ۳

### دانشگاه: فریاد رسای خلقها

### یا «خنجره امن» خامنه ای ها؟!!

سرکوب خلقهای میهن ما و یا آزادی فعالیت های سیاسی نیروهای انقلابی و سوزده کمونیستها بخش مهمی از سیاست رژیم کثرتی است که این سار به موازات هم سرکوب خلق دلاور کرد و دانشجویان انقلابی سراسر ایران به مرحله اجراء درمی آید. ارجاع پس از یک سربا به های سرکوبگرانه این در دانشگاهها، سوجانده می گوید که در عملکردهای سیاسی خود علیه طغیان و دانشجویان انقلابی نیروهای انقلابی را منجر خواهد بود و سخنرانی امام جمعه تهران در سبب زحمتکشان اردیبهشت و اطلاعیه سرپرست کمیته مرکزی در مورد حوادث احزاب گناه در حقیقت مسس این امر می باشد! بدو عضو بقیه در صفحه ۲

دو نفر از انقلابیون، رفقا! احمد مودن و مسعود ایتالی در اهواز اعدام شدند.

### خبر کوتاه بود:

### اعدامشان کردند!

صفحه ۱۵

### پیروزی خلق زیمبابوه

### شکوفان و پاینده باد!

صفحه ۱۰

## آغاز دومین سال انتشار «بیکار»

یکسال گذشته برای مردم ستم دیده میهن ما رشاد و شور و شوق مبارزه، آموختن و بیکار بستن آموزشهای جدید در مبارزه بوده است. مردمیکه حماسه قیام را آفریدند و بیش از پیش عظمت نیروی خود را کشف کردند، در تب و تاب با زهم بیثروی و ساز هم پیروزی سوخته اندومی سوزند. آنها در این راه به آگاهی و به سازماندهی نیاز دارند و این است دلیل این همه نشنگی توده ها و استقبال آنان از نشریات انقلابی. ما افتخار می کنیم که در این زمینه «بیکار» توانسته است در حد خود در میان کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی جا باز کند و در بالا بردن آگاهی آنان و سازماندهی شان نقش فعالی ایفا نماید.

۸ اردیبهشت با ارسال بود که اولین شماره «بیکار» با هدف افشاکری و کارگزاران هکرانه سیاسی - تبلیغی، انتشار یافت و با انتشار «بیکار» شماره ۵۲ «بیکار» دومین سال انتشار خود را آغاز نمود.

ما از همان ابتدا بر آن بودیم که با تمام توان خویش ما به قدرت رسیدگان جدید، نمایندگان بورژوازی و تجار بازاری را که بر این قدرت قرار گرفته بودند، به مردم بشناسانیم و در این کار جزو موفق ترین نیروهای انقلابی بودیم، آری «بیکار» پرچم بیکار علیه لیبرالها، علیه نمایندگان سرمایه - داری و بسته را از همان اولین شماره، به اهتزاز در آورده و هم در استان بورژوازی را با خلق معرفی نمود. بقیه در صفحه ۲

نامه های یک سرباز از جبهه جنگ کردستان

### من شلیک نمی کنم!

"من نمی توانم به روی خلقی که برای هدف مقدس خود، یعنی آزادی می رزمند، آتش بگشایم." این جمله قسمتی از دوتا مهربانی است که قبل از حرکت ستون ارتش به داخل شهر سنج از فرودگاه این شهر برای خانواده خود نوشته است. این نامه ها گوشه ای از واقعیت تلخی را که در کردستان قهرمان می گذرد و هیئت حاکمه میگویند در بقیه در صفحه ۹

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

## زندانیان سیاسی و توطئه باندهای سپاه

عملکرد هیئت خاکمه تنها به کشت و کشتارها نمی‌گردد. در اردستان، در دانشگاهها و مراکز کهنه‌نشانان آزادی و آزادی‌خواهی دارد. برای آنکه از ختم نمی‌شود بلکه بموازات سرکوب خلقها و ترور انقلابیون، زندانیان ساواک ساخته را نیز همچنان از فرزندان دلیخلاق پر می‌زند، تا زاین تمام قضیه نیست.

زندانیان سیاسی ایران که هر روز بر مقدارشان افزوده می‌شود در غیر انسانی ترین شرایط و تحت فشار شکنجه‌ها سارت کشیده شده‌اند. رژیم حتی در مواردی اجازه ملاقات زندانی را که از ابتدائی ترین حقوق زندانیان است از او سلب کرده است. برپا کردن مراسم اعدام (نمایشی) بمنظور درهم شکستن روحیه مقاومت جویانه زندانیان است از جمله شیوه‌های فاشیستی است که هم اکنون در زندانهای ایران بکار گرفته می‌شود.

رژیم جمهوری اسلامی اگر برای تسلی خاطر کارتر برای جاسوسان آمریکائی ملاقات تلویزیونی ترتیب می‌دهد و در مظلومترین شرایط از آنها تیمار میکند، در عوض انقلابیون ایران را مدت‌ها در سلول‌های انفرادی بدون حتی یک ربع ساعت هواخوری و بدون حتی یکبار ملاقات حضوری و غیر حضوری نگاه می‌دارد و حتی مانع از آن می‌شود که وکیل زندانی، موکل خود را ملاقات نماید! محمدرضا سعادت نزدیک به یکسال است که بدون هیچگونه اقدامی در زندان جمهوری اسلامی بنام می‌برد. محمدتقی شرام با بیش از ده سال فعالیت خرابی - انقلابی اکنون در همان زندان اسیر است که در سال ۵۵ بدست ساواک به زندان جبر کشیده شده بود. با این تفاوت که اکنون تنها بنظر مردمان و فرزندان انفرادی است بلکه تحت شدیدترین شکنجه‌های روانی قرار گرفته است. رفیق محمدرضا نیا نیز با سابقه بیش از ده سال فعالیت حرفه‌ای - انقلابی در سالهای سیاه آریا مهربی، اکنون در زندان جمهوری اسلامی است. این در واقع سیاست هیئت خاکمه است که بموازات آزادی‌خواهان ساواکیها و دشمنان رژیم گذشته، انقلابیون و کمونیستها را بزندانیان میکشاند. در همین رابطه توطئه‌های رنگارنگ باندهای سپاه بر علیه انقلابیون و کمونیستها همچنان ادامه دارد و آنها می‌کوشند با توطئه‌چینی علیه برخی از زندانیان، مقاصد پلید خود را ادامه عمل پوشانند.

همانطور که قبلاً هم گفته‌ایم، باندهای سپاه حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی با دستگیری زندانیان یا بدست توطئه‌کشی‌های راجح برزی و تدارک می‌بینند، آنها قضاوت‌ها را زهرسپه‌ای که بتوانند در جهت تحقق نیات پلید خود که همانا بی‌اعتبار کردن نیروهای انقلابی و بی‌ویژه کمونیستهاست، بهره‌گیری کنند.

زمانی عناصر مرتجعین چون اصغر صابغان (از بقیه در صفحه ۶

حالی که ما اجازه انتشار نشریه "پیکار" قانونی بودن آن را از خلال چهار ده سال مبارزه سخت و خونین بر علیه امپریالیسم و ارتجاع کسب کرده‌ایم، این شما نبودید که به ما اجازه انتشار "پیکار" را اعطاء نمودید که اکنون "راده" کرده - اید از آن "بخشش" و "مرحمت" درگذرید. بلکه این کوشش توأم با رنج و خون ما بود که جنین اجازه‌ای و چنین لیاقتی را با ما داد تا بتوانیم نشریه حقوق‌وروشنگری را به انقلابیون و توده‌های تحت ستم خلق و بی‌ویژه کارگران مبارز ایران تقدیم کنیم. تا از این طریق نیاز به - های مرفقی و متعالی خود را در میان زحمت - کشان و نیروهای انقلابی نترسیم و راه انبوه شهیدان را ادامه دهیم. بنا بر این قانونی بودن یا نبودن "پیکار" بهیچ وجه ربطی به اراده و خواست شما ندارد. قانونی بودن "پیکار" و نشریات هم چون "پیکار" یک واقعیت است. یک واقعیت تاریخی که در جهت تکاملی تاریخ و همسان با منافع زحمتکش‌ترین توده‌هاست. آری، "پیکار" از نقطه نظر منافع زحمتکشان قانونی است. چه شما بخواهید و چه نخواهید، و بر همین اساس هم انتشار آن تا هنگامیکه ضروری تشخیص داده شود ادامه خواهد یافت. همچنانکه تاکنون علیرغم "غیرقانونی" شدنش ادامه یافته است.

و امروز نیز که در جریان یک حمله سراسری به اردستان، باندهای کهنه‌نشانان و به نشریات انقلابی قرار داریم و اردستان "انقلاب اسلامی" برای ایجاد درعوب و وحشت در میان مردم آگاه بهمان تهدیدها می‌کند که در زمان رژیم سابق نسبت به انقلابیون و هواداران آنها معمول بود متوسل شده است. غافل از اینکه، حتی در بدترین شرایط یعنی زمان شاه، آگاه‌ها بمناب جویبارهای حقیقت راه خود را از میان کوه‌ها و سنگلاخها و دره‌های دوربسی دریا می‌توانند بازمی‌گردند و به پیش می‌رفتند، و امروز نیز علیرغم هرگونه فشار و سرکوبی چنین خواهند شد!

قبل از پایان این مقاله، اجازه می‌خواهیم دست تمامی رفقای را که با ارسال اخبار و گزارشات و اسناد افتخارگرانه در غنای نشریه ما را یاری می‌رسانند بشاریم، همچنین ما صمیمانه دست رفقای را که با ارسال نامه‌ها بیان ما را در تصحیح اشتباهاتمان یاری می‌رسانند و با پیشنهادها و انتقادات سازنده، خود در تکامل مضمون و شکل پیکار را شرمی - گذارند، می‌فشاریم. رفقا! این نامه‌ها برای ما اهمیت بسیار دارد. هرچند که ما موفق نشده‌ایم ستونی برای پاسخگویی به نامه‌های رسیده با زکنیم که آنرا دریافت کرده، نزدیک عملی خواهیم کرد. ولی این نامه‌ها مشخصاً در بالا بردن کیفیت "پیکار" موثر بوده و ما خواستار ادامه ارسال این نامه‌ها و بر - خورد هر چه مسئولان تروفا لت در این مورد هستیم. با امید به اینکه هر چه بیشتر به وظایف بسیار سنگین خود در جنبش انقلابی و کمونیستی بی‌برسم و بتوانیم نقش با زهم‌نمتری در جنبش کمونیستی و انقلابی میهنمان ایفا نمائیم.

"هیئت تحریریه پیکار"

نصفه ۱ از صفحه ۱ آغاز ۰۰۰

و سر رمایی بود که برخی نشریات حتی در جنبش کارگران را ستم‌هایی می‌دانستند و از دست مریخین حزب جمهوری اسلامی به‌وی شکایت می‌بردند.

"پیکار" در افشای ماهیت طبقاتی حزب جمهوری اسلامی و نیات واقعی آن نیرکه سودای "فراگیر شدن" در سمری پروراند، با تیزی و شهامت تمام به پیش رفته و نقش مهمی در آگاهی عمومی در این زمینه داشته است.

ما بر آن بودیم که جنبش فزاینده و او جگر بند کارگران و دهقانان و خلقهای تحت ستم را با درج اخبار و مقالات مختلف تصویر کنیم، در اینجا نیز بخصوص در زمینه انتشار مرتب اخبار روماسل جنبش کارگری "پیکار" از موفقترین نشریات جنبش کمونیستی ایران بوده است.

تجارب و اندوخته‌های رفقای که سالها در کنار رزمندگان فلسطینی علیه امپریالیسم و ارتجاع بکار رفته‌اند، با این امکان را می‌داد که در تسامدن انقلابات منطقه بی‌ویژه انقلاب فلسطین و عمان نقش اساسی بازی کنیم و در این زمینه با درج مقالات متعددی در بالا بردن هر چه بیشتر آگاهی و دانش خوانندگان خود موثر باشیم.

پیکار در زمینه مبارزه با دولتی که در درون جنبش کمونیستی وجه در مبارزه علیه ریزو بیونیسم و وجه در مبارزه علیه لیبرالیسم و فرمسم در درون جنبش اسلامی نیز هر چند در حد لازم، قدمهای قابل توجهی برداشته است.

اس بخشی از موفقیت‌های ما در انجام مسئولیت‌هایی که بدوش ما شایسته بود.

اما، ما انسانهای خودپرستی خواهیم بود اگر از کمبودها سخن نگوئیم. جنبش توده‌ها و مبارزات طبقه کارگران ایران آنچنان عظیم بوده است که کارهایی که ما در انجام آن موفق بوده‌ایم به هیچ وجه قابل مقایسه با آن نیست علاوه بر این ما مشخصاً در زمینه رهنمودهای کارگری، ارزیابی‌های سیاسی از وضعیت طبقه کارگر که جزو مهمترین وظایف یک نشریه کمونیستی است کمبودهای اساسی داشته‌ایم که تلاش می‌کنیم آنرا با سرعت حیران نمائیم. همچنین در زمینه مقالات ترویجی سوسیالیستی نیز کمبودهای جدی داشته‌ایم که در این اواخر کوشش کرده‌ایم آنرا جبران کنیم. ما با این موفقیت‌ها و کاستی‌ها در یکسال گذشته تلاش کرده‌ایم پیکار را با بهمت تمامی رفقای که سحوی در جاب و انتشار و بخش پیکار دست دارند، صورت مداوم منتشر سازیم و در این راه نه حملات ارتجاع در آستانه، سرکوب اردستان و نه توقیف به اصطلاح "قانونی" پیکار را هیچکدام نتوانسته‌است مانع از انتشار و منتشر شدن پیکار گردد چرا که همان زمان، رمایی که "پیکار" توقیف شد زمانی که شکالات فراوانی در رابطه با جاب نشریه موجود بود مدون شدیم که چرا پیکار را ستم می‌شود؟ (پیکار شماره ۲۰، دوسه سوزدهم سپهر ماه). و در پاسخ گفتیم که: "پیکار" را همراستا سراسری جد توقیف کرده‌اند. سراسری را سراسری خوانند. در

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# نگاهی به جنبش کارگری از سال ۴۸ به بعد (۲)



## درباره صندوق اعتصاب

پیش میرفت ، صندوقهای اعتصاب نیز شکل نیمه علنی بخود گرفت ، بطوریکه رژیم مزدور شاه از وجود آنها اطلاع پیدا کرد (مثلا کارگران مبارز صنعت نفت صندوقهای نیمه علنی تشکیل دادند) هرچه اوضاع انقلابی درون جامعه شدت بیشتری می گرفت صندوقهای مذکور امکان مناسبتی برای علنی شدن می یافتند ، صندوقهای اعتصاب پس از پیروزی قیام تنها در مواقع اعتصاب ، بصورت علنی تشکیل میگردد که به علت اعتلای انقلابی موجود در جامعه مورد پیروش قرار نمی گرفتند اما بدلیل ناآگاهی کارگران اغلب این صندوقها در مواقع غیرا اعتصاب موجودیت خویش را از دست دادند و بجای آنها صندوقهای دیگری بوجود آمد که در زیر پرده شرح آنها میپردازیم

الف - صندوق قرض الحسنه  
این صندوق بوسیله کارفرما و عواملش بوجود می آید و موجودی آن با مشارکت کارفرما و کارگران تهیه میگردد ، تا هر موقع کارگری به پیول احتیاج پیدا کرد از آن برداشت نماید .  
ایجاد اینگونه صندوقها بجای صندوق اعتصاب بقیه در صفحه ۶

در کشورهای سرمایه داری ، کارگران برای مواقع خاص و اضطراری مانند (اعتصاب ، تحمن ، اشنال کارخانه و...) صندوقی بنا میکنند اعتصاب تشکیل میدهند تا اگر اعتصاب ، تحمن و... بطول انجام میدو کارفرما از پرداخت دستمزد کارگران (برای بشکست کشاندن اعتصاب ، تحمن و...) آنها) خودداری کرد ، فشار مالی عدهای از کارگران را به دست کشیدن از مبارزه مجبور سازد ، در کشورهای که دیکتاتور ی برقرار است ، صندوق اعتصاب نمی تواند علنی تشکیل شود ، زیرا مورد پیروش پلیس و عوامل رژیم قرار می گیرد ، اما در کشورهای که آزادیهای نسبی بورژوازی وجود دارد صندوق اعتصاب میتواند علنی تشکیل گردد و اتحادیه های نیرومندان کارگری نیز ضامن بقا آن خواهند بود ، تشکیل صندوق اعتصاب در کشورهای تحت سلطه که حاکمیت بورژوازی وابسته با روپنای سیاسی دیکتاتور همراه است نیز ، در صورت وجود اتحادیه های نیرومندان کارگری (سندیکای واقعی کارگری) بصورت نیمه علنی و حتی در مواردی بطور علنی امکان پذیر است .

سندیکاهای سرخ همواره صندوق اعتصاب علنی ویا نیمه علنی دارند ، البته اگر سندیکاهای کارگری مخفی باشند ، نمی توانند صندوق خود را علنی کنند ، در چنین شرایطی صندوق اعتصاب مخفی ویا نیمه مخفی خواهد بود بطوریکه کارگران نیکه مایل به دادن کمک مالی به صندوق هستند میتوانند با آن رابطه داشته باشند . (محل این صندوق مخفی خواهد بود) .  
صندوق اعتصاب در ایران

در سالهای خلفان و دیکتاتور ی که سندیکاهای سرخ علنی وجود نداشت ، هسته های مخفی سندیکای تشکیل می گردید ، (مثلا در سال ۵۴ در کاخانه چیت سازی تهران چنین هسته های مخفی سندیکای وجود داشت و اعتصاب بزرگی را سازماندهی و رهبری میکرد) .

در آن زمان صندوق اعتصاب کاملاً مخفی بود و تنها در زمان اعتصاب نیمه علنی می گردید و کارگران نمی توانستند از آن کمک مالی دریافت دارند ، بدون آنکه از محل صندوق با اطلاع باشند ، در مواقع غیر اعتصاب تنها کارگران مبارز با صندوق ارتباط داشتند ولی همچنان از محل آن خبر نداشتند .

در شرایطی که مبارزات طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران اوج بیشتری گرفت و اعتلای انقلابی درجا معه پیدا کرد و درجا معه در جهت موقیعتا انقلابی

### کارگر شرکت نفت بشهادت رسید

عزیز محمدی کارگر انقلابی و مبارز شرکت نفت به شهادت رسید ، او که همواره از فعالین مبارزات کارگری بود ، در یکی از همین اعتصابات کارگری در زمان دولت از هاری از شرکت نفت اخراج شد ، عزیز که بعداً رقیباً با خطریا زکشت به سرکار در کارخان و تشکل های بیگاران به مبارزات خود ادامه می داد ، سرانجام توسط پاسداران مورد شتابانی قرار گرفت و بوسیله یکی از همین پاسداران بنا مبلینوند با قنداق تفنگ بشدت مضروب شد ، این حادثه زمانی رخ داد که عزیز پس از پایان گرفتن تحمن موفقیت آمیز بیگاران در تشکیل ستاد کمک رسانی برای سلبندگان خوزستان نقش فعالی به عهده گرفته بود .

شهید عزیز محمدی پس از دو ماه بستری شدن در بیمارستان در گذشت و همچون پدر کارگرش که و نیز پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ توسط عمال کودتا به شهادت رسیده بود ، به صف طولانی شهدای طبقه کارگر و پیوندگان راه سوسیالیسم پیوست . یادش گرامی و راهش پایدار باد !

از همان فردای قیام ، کارگران ، دهقانان ، خلقها ، کارمندان ، ارتشیان مبارز (و بیژنه پرسنل انقلابی) ، بازاریبان ، فرهنگیان ، دانشجویان و دانش آموزان ... خواستار اجرای فوری درخواستهای انقلابی خود می بودند ، زحمتکشان ملحقه قیام کرده بودند ، شهید داده بودند ، بنا بر این برای حفظ دستاوردهای انقلاب فعلاً لانه مبارزه میکردند . کارگران و سایر طبقه های زحمتکش بخوبی می دانستند که وظیفه ، یک دولت انقلابی در درجه اول اجرای درخواستهای فوری زحمتکشان است ، بدون اجرای این درخواستها نمی توان قیام را به پایان رسانید و ریشه های سرمایه داری و استبداد خشکانه ، دهقانان بحق می خواستند که زمین به خودشان تعلق داشته باشد ، کارگران می خواستند که سرمایه های متعلق به امیربالیستها و سرمایه داران وابسته معادله و ملی شود ، نظارت کارگران بر تولید اعمال شود ، قراردادهای اسارت آوارا امیربالیستی افشا و لغو گردد ، ساواکها و سایر عناصر صر و وابسته محاکمه گردند ، دستگاہهای جاسوسی و اعمال فشار بنا بود گردد ، آزادیهای سیاسی برقرار گردد ، ارتشیان مبارز می خواستند که ارتش خلقی ایجاد گردد و سیستم ارتش شاهنشاهی نابود شود و شوراهای داری ارتش قدرت را بدست بگیرند ، کارگران خواستار اجرای فوری ۴۰ ساعت کار در هفته بودند ، میلیونها کارگر بنیکار خواستار ایجاد کار بودند ، دانشجویان و دانش آموزان خواستار تغییر نظام آموزشی و آزادی فعالیت های سیاسی بودند و غیره ، لیکن "دولت موقت جمهوری اسلامی" مردم را به "صبر" دعوت می کرد ، زحمتکشان بحق خواستار ادامه انقلاب و نابودی واقعی نظام سرمایه داری و وابسته بودند ، ولی دولت موقت ، حزب جمهوری اسلامی ، حزب توده و سایر بر خیا نکاران به طبقه کارگر و همچنین آیت الله خمینی ، مردم را به "صبر" دعوت می کردند! اینها می گفتند " کمی صبر انقلابی! داشته باشید! خرابیهای ۵۰ ساله رژیم سلطنت را نمی توان یک شبه درست کرد ، قناعت کنید کمتر بخورید و کمتر بپوشید ، قانع باشید ، این ضد اسلامی ها هستند که این درخواستها را مطرح می کنند اینها آمریکا می هستند ، ما که برای شک انقلاب نکرده ایم! ... و با این مترخفات بود که میخواستند سرکارگران و سایر زحمتکشان را شیره بمانند .  
به این ترتیب واضح بود که مبارزات کارگران و زحمتکشان ادامه می یابد ، اگر لیبرالها فقط با گرفتن قسمتی از قدرت در دولت ، راضی شده بودند و نمی خواستند اساس سیستم سرمایه داری وابسته را نابود کنند ، چرا که خود درست در همین سیستم است که بیشترین سود را خواهند بود ، اما برای کارگران و سایر زحمتکشان آزادی وقتی می توانست مفهوم

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کمونیستها واضح ترمی شود .

## وضعیت کنونی جنبش کارگری و چشم انداز آن

در رابطه با اعتلای جنبش توده‌ای و از آن جمله جنبش کارگری و به برکت مبارزات فدا مهربا لیستی ضد سرمایه داری و وابسته توده‌های نیلیونی، مبارزات کارگران روبه‌اوج است، بغداد ز قبا مصلحت خلا قدرت سیاسی تشبیه شده‌ای که بتواند "نظم" بورژوازی را برای استعمار منظم‌کار بر وجود آورد، کارگران خودا قدام به بدست گرفتن تولید، اقدام به اخراج ساواکیها و عنا صرمزدور سرمایه، اقدام به اجرای ۴۰ ساعت کار و برپادخت کسری دستمزد خود... نمودند. حرکات مستقل و به اصطلاح "غیرقانونی" (قانون سرمایه داری) کارگران، از جمله مهمترین خاصیت مبارزات کارگران در این دوره از جنبش کارگری می باشد .

طی بیش از یکسال اخیر، رژیم حاکم، نتوانسته است ارگانهای دولتی خود را - هرچند ناچار و متزلزل - بوجود آورد و شکل منظمی بخود دهد. ارتش سپاه پاسداران، "ساوا" و "شهربانی" ژاندارمری، دادگاههای انقلاب، زندانها و غیره از جمله ارگانهای سرکوب دولتی است که تا حدودی شکل گرفته است. این تحکیم نظام دولتی را در کارخانه‌ها بشکل برگرداندن سرمایه داران، تخفیل شوراها، زرد، ایجاد کمیته‌ها در کارخانه‌ها، شروع پروژه‌های بزرگ امپریالیستی، گماردن مدیران دولتی در اس کارخانجاتی که مدیران آنها قبلا فرا گرفته بودند و با کارگران آنها را اخراج نموده بودند و با لاجرم ایجاد سازمانهای جاسوسی در کارخانه‌ها و غیره می بینیم. همزمان با تحکیم دولت و ارگانهای آن، جنبش خودبخودی طبقه کارگر به اقدامات آگاهانه ترو متشکل تری روی آورده است. درخواست دولتی کردن کارخانه‌ها افشاء و لغو قراردادها، افزایش لیستی، صادره اموال سرمایه داران بزرگ وابسته، اعمال نظارت کارگری بر تولید، جروجان گیری، اجرای نظرات و مبتدیگ - های کارگری، از جمله درخواستها و اشکال مبارزات کارگران می باشد که جنبه آگاهانه ترو متشکل تر آنرا بروشنی می رساند .

در رابطه با تعرض اغیرفدا انقلاب به دستاوردهای انقلابی توده‌ها، و چشم انداز جنبش کارگری، ویژه گیها و خصوصیات زیر را میتوان برای جنبش کارگری ذکر کرد :

**الف :** جنبش کارگری هرچه بیشتر همگون و متحد می شود :

بعد از گذشت ۳۵ سال، کارگران نتوانسته اند برخی تشکیلات واقعی خود را بوجود آورند. هرچند این تشکیلات بغداد ز قبا همواره مورد حمله عوامل مزدور و رژیم قرار گرفته و کارگران مبارزحتی زندانی گشته اند، لیکن بر بستری از بحران سیاسی - اجتماعی درجا معه، و با هرچه آگاه تر شدن کارگران، تشکیلات واقعی کارگران بوجود می آید و خواهد آمد .

بعد از قیام توده‌های هرچه وسیعتری از کارگران

آگاه (شورای واقعی کارخانه) را در مقابل سایر کارگران قرار داده، شورا را تبدیل به وسیله‌ای در دست کارفرما، به وسیله‌ای برای پوشاندن استعمار سرمایه - داران از کارگران تبدیل می نماید .

بعد از قیام، کارگران به تعداد بیشتر در جریانات سیاسی موجود در سطح جنبش وارد می شوند. علیرغم نبود حزب طبقه کارگر، کارگران در مبارزات دموکراتیک و فدا مهربا لیستی جاری در جامعه شرکت می کنند. کارگران در قطعاتها و لیستهای درخواستی خود "ملی" شدن تمام شرکتها و وابسته به امیر - بالیستها را مطرح می کردند. افشاء و لغو قراردادها، امپریالیستی، صادره اموال موسسات وابسته، آزادیهای سیاسی و... از خواسته‌های کارگران می باشد .

مبارزات صنفی کارگران که در شکل عالیتر آن بصورت اعمال کنترل و نظارت کارگری بر مدیریت و تولید - جریبان داشت، بطور هرچه وسیعتری در سازمانها گسترش یافت. مبارزه برای افزایش دستمزد و ۴۰ ساعت کار در هفته، مبارزه برای اخراج کمیته‌ها از کارخانه، اعتراض به اجرای آتش نامه انضباطی، مبارزه برای اخذ دستمزدهای عقب افتاده برای عدم اخراج کارگران، هر روز وسیعتر و وسیعتر گشته است. هرچند هم اکنون مبارزات صنفی کارگران تا حدی در اثر نا آگاهی عمومی سیاسی کارگران از وسعت به اندازه کافی برخوردار نیست، لیکن چشم انداز جنبش کارگری بسی روشن ترمی می باشد .

اما دولت سرمایه داران هم بیگانه نشسته، هنوز مدت کوتاهی از تشکیل "دولت موقت" نگذشته بوده که سرمایه داران بپوش خود را به دستاوردهای انقلاب آغا ز کردند. در این حمله سرمایه داران سعی می کردند به وسایل مختلف، از بهیشت و اوچکیزی مبارزات کارگران و سایر توده‌ها جلوگیری نمایند. کارنامه دولت جمهوری اسلامی در این زمینه به اندازه کافی سیاه است. شرفردن جنابات این رژیم در اینجا ممکن نیست. همین کافی است که گفته شود رژیم حاکم چندین بار برای انداختن جنگهای برادر کشی مذهبا نفرا ز خلق کرد، ترکمن، عرب و بلوچ را بخون کشیده است. تعدادی از کارگران را به شهادت رسانیده است، آزادیهای سیاسی را مورد تعرض سیاه خود قرار داده است و جو خفقان و سانسور را تا توانسته برقرار نموده است. در کارخانه‌ها کنترل و خیرچینی به سبک ساواک برقرار کرده است. کوچکترین تغییر در قانون کار رژیم تا هشتا هسی نداده است، سرمایه‌های امپریالیستها و سرمایه - داران وابسته را معاف کرده است، قراردادهای اسارت آورا ملفی نگرده است، لیست ساواکیها را اعلام ننموده است، دست زمینداران را با زکذاشته است و آنها را مصلح نموده است، سرمایه داران فراری را با دخل دعوت نموده، قراردادهای خریدار سلحه و مهمات از آمریکا بسته است، زندانها و اعدامها را برای انداخته است، اینها همه برای برقراری و بازسازی دوباره سیستم سرمایه داری وابسته صورت گرفته و کماکان صورت می گیرد. ما هیت این رژیم روز بروز برای توده‌های وسیعتری از مردم روشن ترمی شود و حقا نیت نیروهای سیاسی مبارزو بویژه

داشته باشد که اساس این سیستم دگرگون شده باشد و حکومت کارگران و دهقانان - بهره‌بردار کارگران - سرکار آمده باشد. بنا بر این دهقانان خود اقدام به بیرون کردن فئودالها و زمینداران بزرگ وابسته نمودند. زمینهاشان را معاف کردند و در صورت مقاومت، آنها را محاکمه و اعدام نمودند. (در کردستان، ترکمن صحرا، شیراز، شمال و...) ارتشبان مبارز خودا قدام به تشکیل شوراها واقعی نمودند، دانشجویان و دانش آموزان هم همینطور، در ادارات دولتی نیز کارمندان شوراها را تشکیل دادند، در اینجا ما به مبارزات کارگران می پردازیم :

## مبارزات کارگران بعد از قیام

مبارزات فدا مهربا لیستی کارگران بعد از قیام کماکان ادامه می یابد. کارگران با کامیابی استوار خود همچنان به پیش میروند. در دوره انقلاب هر یک از طبقات با برنامه‌های مشخص خود با میدان مبارزه می گذارد، لیکن کارگران که فاقد حزب واقعی طبقاتی خود بودند، اینجا با آنها بطور مستقل اقدام به اجرای "برنامه" خود نمودند. کارگران در راه اجرای خواسته‌های خود حما سه آفریدند .

در بسیاری از کارخانه‌ها، کارگران مزدوران رژیم پیشین را محاکمه و اخراج کردند. ساواکیها مدیران مزدور مهندسی و سرپرستهای وابسته را دستگیر کرده معاف نگذاشتند و اخراج کردند. در بسیاری از کارخانه‌ها کارگران خودسندیکای قلابی را منحل اعلام کرده، شوراها سندیکای واقعی کارخانه را ایجاد کردند. کارگران خودکارگران مبارزی را که در رژیم فدا خلقی شایع اخراج شده بودند، بزرگوار بازگرداندند. کارگران در تعدادی از کارخانه‌ها خود ۴۰ ساعت کار در هفته را به جراد آوردند. و خود کسری پرداخت دستمزد کارگران را از صندوق شرکت پرداخت نمودند. در بعضی از کارخانه‌ها کارگران، کارخانه را "ملی" اعلام کرده و حکم به افشاء و لغو قراردادها، امپریالیستی نمودند. کارگران خود تمهادهای از کارخانه‌ها را که بسته شده بود، گشودند و مشغول بکار شدند. به این ترتیب بود که کارگران توانستند در بسیاری از کارخانه‌ها، با افشاء از زبانه‌ها، نظارت و کنترل مستقل کارگری خود را بر تولید، مدیریت و فروش اعمال کنند .

در تعدادی از کارخانه‌ها، کارگران خود مدیریت را بدست گرفتند، (متواک، جبین مدآمل...) لیکن از آنجایی که قدرت سیاسی (دولت) در دست کارگران نبود، این اقدامات علیرغم جنبه انقلابی آن، نمی توانست مدت درازی دوام بیاورد. بورژوازی حاکم که میرفت تمام امکانات اقتصادی و سیاسی را در دست خود قبضه کند، بهیچوجه اجازه نمی داد که موسسات تولیدی بدست خودکارگران اداره شود، لیکن تا زمانیکه رژیم سیاسی حاکم نتوانسته است انجام قدرت کافی یافته و تشبیه شود، کارگران در اینجا با آنها، اداره موسسه را بدست خواهند گرفت. در سایر کارخانه‌ها (به جز معدودی) کارگران آگاهانه از شرکت در مدیریت احتراز کرده اند، چه این عمل، کارگران

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

دسته‌دسته از کارخانه‌ها اخراج می‌شوند. این کارگرانند که بهرجه مبارزه را بدست می‌گیرند. هم‌اکنون مبارزات کارگران سدمحکمی درمقابل سرمایه‌داری وابسته و ارتجاع است. سرکوب کارگران توسط رژیم خودمویبد این واقعیت می‌باشد.

**د: مبارزات کارگران سراسری می‌شود:**  
با توجه به ایجاد کارخانه‌های وسیع‌تر کارگری و اتحادها می‌که ما بین سندیکاها و شوراهای جنبین کارخانه موجود آمده است، چشم‌انداز سراسری شدن مبارزات کارگران وجود دارد. در این زمینه جد و جدهای خودبخودی ای نیز از طرف خودکارگران صورت گرفته و می‌گیرد.

مجموعه این شرایط، چشم‌انداز تازمتناک و امیدوارکننده‌ای را درمقابل کمونیستهای میهن ما می‌گستراند. قوت جنبش کارگری ما دروسعت تسوده ای آن، درهرچه وسیع‌تر شدن آن و تعمیق آن از نظر آگاهی سیاسی - دموکراتیک می‌باشد و ضعف آن درشتتست م. ل. ها، درعدم تکافوی رهبران و عقب ماندگی مغرط آنان است.

گسترده‌گی جنبش کارگری، تعمیق آن و همزمان جذب بهترین عناصر آن به سازمانها و گروهها و محافل م. ل. ا. ا. م. بحران و ناتوانی رژیم از حل و پیا سگونی به این بحران، از جمله مناسبات ترین شرایطی است که ایجاد حزب طبقه کارگر را تسهیل می‌نماید. مرزبندی - های جدید درون جنبش کمونیستی میهن، اعتلای جریان تسوده‌ای - انقلابی و هرچه مشخص‌تر شدن مضمون حرکت جریانات متزلزل و نا پیکر، وسعت‌گیری رویزیونیستی آنها، از جمله خطوطی است که سیر حزب طبقه کارگر را هرچه روشن‌تر می‌نماید.

هرچه گسترده‌تر مبارزات کارگران پیش‌بینی ایجاد حزب طبقه کارگر برقرار باشد جمهوری دموکراتیک خلق

### این دروغها را چه کسی باور میکند

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی جهت پسرده - پوشی جنایت وحشیانه خود در دادگاه نشکا هجندی شاپور با دروغهای مفتضحی ما نند "دانشجویان تیرسار داشتند" و کسانی که شهید شده اند از مردم بوده اند و بدست "دانشجویان کشته شده اند" و... میخواستند داغ ننگی را که به پیشانی شان نقش بسته بود پاک کنند. ولی توده‌های مردم که در جریان امر بودند و می‌دانستند که اولاً دانشجویان تیرسار که سهل است اسلحه سبک هم همراه آنها داشتند و ثانیاً شهدای همچون غلام سعیدی و فرهنگ انصاری و فرزانه رضوان و جبرائیل هاشمی و حمید درخشان و... از فعالین دفاعی سیاسی دانشجویان بوده اند، شروع به اعتراض کردند.

عمال رژیم جمهوری اسلامی برای خاموش کردن اعتراضات، روز پنجشنبه ۵۹/۲/۴ مردم زندانیان سالن شهرداری را به رگبار مسلسل بست و بیش از ۳ نفر از زندانیان در بند را با کلوله‌های آمریکا شلیک به شدت رساند و سدهم دعا کرد که تقصیر ما نبود! زندانیان میخواستند فرار کنند! و دروغها - شلیک از این قبیل... ولی نه تنها صدای سدهم ها خاموش نشد بلکه اعتراضات اوج هرچه بیشتر گرفت بطوریکه بنی صدر این مجری سیاست جماعتی و تیرسی. با عجله به هوا رفت و فوراً رفت!

(نقل از تراکت حوزه آواز سازمان - ۱۵۹/۲/۵)

بوضوح آشکار است. هر چند اعتلای جنبش تسوده‌ای و کارگری از یک طرف و ماهیت غاشنه و سازشکارانه این گونه به اصطلاح تشکلات کارگری از طرف دیگر، و مهمتر از همه آگاهی روزافزون کارگران، اجازت نمی‌دهد که کارگران زیادی حول این به اصطلاح تشکلات جمع شوند. لیکن از جمله وظایف کارگران آگاهی و نیروهای انقلابی است که با افشای این تشکلات و نقش غاشنه آنان از نفوذ پدشولوسی این به اصطلاح حزب در درون طبقه کارگر جلوگیری بعمل آورند.

در عین حال لازم به توضیح است که جنبش طبقه کارگر از سوی سایر نیروهای متزلزل و بی‌بنا بینسی (چه با ایدئولوژی مارکسیستی و چه با ایدئولوژی مذهبی) که نقش "به‌خانه کشاندن" کارگران را بعهده گرفته و بسوی زبانی شدن طبقه کارگر جلوگیری بعمل می‌آورند، در معرض تهدید جدی قرار دارد. این نیروها که از سیاست، همان درک سیاست بورژوازی و خرده بورژوازی را دارند، بسوی زبانی شدن شرایط بحرانی و حساس که می‌طلبند کارگران هرچه فعلاتر و وسیع‌تر در جنبش سیاسی جاری در سطح جامعه شرکت کنند، نقش باز دارند و ایفاء می‌کنند. عملکردهای این نیروها حتی در سگردن همان مبارزات صنفی کارگران قابل رویت است. اینها از "خدا شدن" مبارزه وحشت دارند، نظرات خیابانی، تصرف موقت کارخانه، نظارت بر تولید و... را عملیاتی آنارشیستی و "چپ" قلند می‌کنند و کارگران را به همان مبارزه صنفی و آرامی که مورد درخواست بورژوازی است، فراموش می‌خوانند. وظیفه تمام نیروهای اصیل م. ل. است که در افشای اینگونه عملکردها مجدداً کوشش نمایند.

**ج: مبارزات کارگران خصلت تعرضی دارند:**  
تداوم بحران سیاسی - اقتصادی حاکم بر جامعه فقر و محرومیت نیش از جد کارگران و انفعال و ناتوانی رژیم از حل بحران و پیا سگونی به نیازهای برحق کارگران، به جنبش طبقه کارگر خصلت هرچه بیشتر تعرضی می‌بخشد. علاوه بر آن با اعمال کردن دستاوردهای انقلاب از طرف رژیم حاکم، حس مقاومت و انتقامجویی را در کارگران بیدار می‌کند. با اعمال نظارت بر تولید، کارگران به مقدس ترین کاشنات بورژوازی - آزادی در اشتغال - تعرض می‌نمایند. با گروگان گیری سرمایه‌داران و عوامل دولت حامی آنها در اشتغال کارگران مستقیماً تعرض می‌نمایند. با نظرات خیابانی و میتینگ - های کارگری، کارگران حاکمیت جبر و زور را مورد سؤال قرار می‌دهند و درخواستهای سیاسی خود را مطرح می‌نمایند.

همزمان با تعرض وسیع و سیفانه رژیم به دستاوردهای انقلاب، مبارزات کارگران هرچه بیشتر خصلت تعرضی می‌یابند. کارگران می‌روند تا فعالتر و پراشتر و تراز تر از هر طبقه دیگری در مبارزات امپریالیستی - فدارتجایی جاری در میهنمان شرکت نمایند و بهر چه این مبارزه را از جنگ دستان لرزان خرده بورژوازی بیرون آورند. این کارگرانند که اعدام می‌شوند (در درود)، این کارگرانند که به حبس ابد و تالیان دراز زندان محکوم می‌شوند (درود) این کارگرانند که در خفا با آنها به گلوله بسته می‌شوند (ما شهر، اندیشک و...) این کارگرانند که زندانیان را پهری کنند (جنوب، تهران، تبریز، شمال، و...) و این کارگرانند که بواسطه مبارزات خود

به مبارزات صنفی و تشکلات صنفی - سیاسی روی آورده اند. بر اساس تشکلات سندیکاها و شوراهای کار - خانه‌ها امکان بوجود آمدن تشکلات وسیع‌تر کارگران فراهم آمده است (در تهران، گیلان، جنوب اراک و...). همراه با متحد شدن مبارزات کارگران، ایجاد زمینه برای طرح شعارهای واحد در یک زمان ما بین تعداد زیادی از کارخانه‌ها امکان پذیر گشته است. جد و جدهای خودبخودی کارگران در زمینه ارتباط بین خود در جریان اعتصابات بزرگ برای بسوی (قبل از می ۵۹) و سپس کوششهای آگاهانه تر آنان برای شرکت در تدوین قانون کار آینده، از جمله مسائلی است که مبارزات کارگران را هرچه بیشتر همگون تر خواهد کرد.

**پ: جنبش کارگری هرچه بیشتر سیاسی می‌شود:**  
بر بستری از مبارزات فدا مپریالیستی و دمو - کراتیک تسوده‌های میلیونی، کارگران ما به آگاهی سیاسی - دموکراتیک دست می‌یابند. طرح درخواستهای دولتی کردن کارخانه‌ها، معادله سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، افشا و لغو قراردادها، امپریالیستی از جمله شعارها می‌باشند. شرکت در تدوین قانون کار، اخراج کمیته‌ها، از کارخانه‌ها، اخراج عناصر وابسته و ساواکی از کارخانه و... از جمله دیگر شعارهای سیاسی است که وسیعاً از طرف کارگران مطرح شده و با توسط خود آنان عمل گشته است.

میتینگها و نظرات خیابانی کارگری، از اشکال سیاسی مبارزات کارگران می‌باشد که به تدریج از یک تا بحال وسیعاً از طرف کارگران بکار گرفته شده و قرار گرفته، می‌رود تا بصورت یک شیوه عمومی برای مبارزه کارگران در آید.

کارگران بتدریج درمی‌یابند که در مبارزه سیاسی تنها تسوده، بلکه سا پر تسوده‌های زحمتکش نیز با آنها دارای منافع مشترک می‌باشند. از این جهت است که میتینگها و نظرات خیابانی کارگری شکل می‌گیرند تا این حمایت راجا مه عمل بنهوشاند. بررسی مبارزات چندین کارخانه نشان می‌دهد که یکی از شیوه‌های عالیترب مبارزه کارگران که بلا فاصله میتوانند در خدمت جنبش طبقه قرار بگیرد و بر تجربه خود کارگران استوار می‌باشد. همین نظرات خیابانی و میتینگهای کارگری است. مبارزات کارگران چندین کارخانه در تهران، قزوین، جنوب و گیلان این نتیجه‌گیری را در عمل اثبات نموده است.

تداوم بحران و وجود برخی آزادیهای دموکراتیک که هنوز از تعرض رژیم در مان مانده است، بسوی فعالیت وسیع م. ل. ها و بخش میلیونها تراکت، اعلامیه و نشریه توضیحی افشاگرانه در میان کارگران از جمله شرایطی است که به هر چه سیاسی تر شدن جنبش طبقه کمک می‌کند. این نشریات که بصورت "اعلان جنگ واقعی" به سرمایه‌داران "در آمده اند، نقش مهمی در پیشبرد مبارزات کارگران بعهده دارند.

خطری که در این زمینه جنبش طبقه کارگر را با مشکلات و خطرات جدی روبرو می‌سازد، نقش حزب غاشنه توده می‌باشد. این حزب بکمک برخی عناصر کارکشته در امور صنفی (کارکشته در زمینه مبارزه صنفی به شیوه بوروکراتیک و آریستوکراتیک) و با نفوذ خود در تشکلات وسیع‌تر کارگری، همان نقش را بعهده می‌گیرد که طی سالهای ۳۲ - ۲۵ انجام داد. عملکردهای غاشنه این حزب در آن تشکلاتی که نفوذ دارد،

نقشه از صفحه ۳

در باره ۰۰۰

یکی از شیوه‌های فربس کا رفرماست، زیرا بدینوسیله:

۱ - بین کاروسرما به تا حدی سازش و تفا هم وجود می آید (همکارگران و همکارفرما ما هبانه مبلغ معینی پول با این صندوق میپردازند)

۲ - کارگران در شرایط تنگدستی و تحت فشار قرار گرفتن دست بسوی این صندوق دراز میکنند و ضرورت مبارزه علیه سرمایه را بغیرا موشی می سپارند.

۳ - هزینه‌هایی را که در مواقع اضطراری ما نتواند (بیماری، تعادف، حوادث ناگوار و...) بیاورد کارفرما و یا بهتر بگوئیم دولت سرمایه داری (شکل بیمه و...) بپردازد به درآمدنا چیسز کارگران تحصیل کرده و بدین ترتیب استثمار را شدت می بخشد.

۴ - بجای آنکه کارگران به ریشه‌های اصلی اختلاف طبقاتی پی برده و با آن به مبارزه برخیزند، بشردوستی از نوع بورژوا شیش را (دست مستندان را گرفتن، به ضعف کمک رساندن!) تبلیغ کرده و بر ریشه‌های اصلی دردمسپوش می گذارد.

در باره این حبله کارفرما ما باید در حالیکه بورژواشی و سازشکارانه بودن ماهیت این نوع صندوقها را برای کارگران افشا می کنیم، آنها را بجای تفا هم با بورژوازی به مبارزه علیه آن دعوت نمائیم.

در این رابطه شعرا صریح عبارتست از تشکیل صندوقی که تنها موجودی آنرا کارفرما بپردازد و در مواقع ضروری به کارگران وام بدون بهره پرداخت کرده و سایر بخشهای اضطراری آنها را جبران نماید.

ب - صندوق تعاونی  
این نوع صندوقها را خودکارگران بطورعلنی تشکیل می دهند تا در مواقع ضروری و نیاز فوری بتوانند از آن برداشت نمایند. این صندوقها اگرچه مانند صندوقهای اعتصاب نیستند و تا اندازه ای اشکال صندوق قرض الحسنه را دارند ولی در روند خودتحت شرایط خاصی میتواندند به صندوق اعتصاب تبدیل گردند. این شرایط خاصی عبارتند از:

۱ - مسئولیت ورهبری آن بمعده عناصر مترقی باشد.

۲ - جوکارخانه نسبتا مسا عدا باشد.  
در صورت وجود شرایط مذکور این صندوقها در هنگام اعتصاب میتواندند به صندوق اعتصاب تبدیل گردند. در غیراین صورت نهایتا به صندوق نوع الف بدل میشوند.

ج - صندوق اعتصاب  
این صندوق با همیاری و همکوشی خودکارگران و بمنظور کمک (مالی) دادن به کارگران در جریبان اعتصاب، تحصن، گروگانگیری و... برای ادامه مبارزه موجود می آید.

در شرایط کنونی صندوق مذکور نمی توانست بصورت علنی تشکیل شود، زیرا امکان حمله رژیم به آن وجود دارد. (مگر در کارخانه‌ها شبکه سندیکای مترقی دارند) بنا بر این بطورعام میتوان گفت:

۱ - در این شرایط صندوق اعتصاب باید به شکل نیمه علنی تشکیل شود.  
۲ - از طریق کارگران مبارز، آگاه و غیرفالانز که حاضر به همکاری با آن هستند درآمد صندوق را نامس نمود. (البته محل صندوق باید مخفی باشد.)

۳ - ایجاد صندوق اعتصاب در این شرایط روحیه کارگران مبارز و پیشرو را بالا برده و همبستگی آنها مستحکمتر می گردد.

۴ - برداشت از صندوق اعتصاب با بدبطور عمده در مواقع اعتصاب، تحصن، اشغال کارخانه و مواردیسا به نمونه‌های مذکور باشد (در حالت خاص و بطوراستثنائی به کارگرانی که خسارتی را متحمل شده و بشدت در مضیقه هستند و در ضمن برای گرفتن خسارت وارد به سرمایه دار مبارزه کرده اند، ولی موفق نشده اند میتوان پول پرداخت کرد).

۵ - صندوق اعتصاب با ید این ایده‌آسی را که (سرما به دار با یدخسارتهای وارد به کارگران را جبران نماید) بمیان کارگران برده و جلورشده اندیشه‌های انسان دوستی از نوع بورژواشی و یا منحرف شدن مبارزه کارگران علیه سرمایه داران را بگیرد.

**جگونگی تشکیل صندوق اعتصاب**

۱ - شرایطی که میتوان صندوق را بصورت علنی ایجاد کرد، در این شرایط (هنگام اعتلا جنبش توده‌ای، در شرایطی که سندیکاها و اتحادیه‌های قوی کارگری وجود دارند و... بهترین راه ایجاد صندوق اعتصاب، از طریق خودسندیکا و یا اتحادیه می باشد، زیرا که سندیکا (شورا) و یا اتحادیه توده‌های وسیع کارگران را در برمی گیرد.

اگر سندیکا (شورا) و یا اتحادیه زرد بود، باید تعدادی از کارگران مبارز پیشقدم شده و بطورعلنی کارگران را به تشکیل صندوق اعتصاب دعوت نمایند و مقدمات آنرا فراهم آورند.

نکته مهم و قابل تذکره در مورد صندوق اعتصاب در شرایط مذکور اینست که با بد موجودی آن و نیز میزان کمکی که هرکارگر در اختیار صندوق قرار می دهد، هر ۱۵ روز یکبار رو با ما هانه به اطلاع کارگران رسانده شود.

۲ - شرایطی که نمیتوان صندوق را بصورت علنی تشکیل داد ولی میتوان از امکانات علنی استفاده کرد.

در این حالت محل صندوق و نیز مشخصات ادار کننده‌گان آن باید مخفی باشد، اما اساسی کارگرانی را که به صندوق کمک می کنند و موجودی آن را نمیتوان در اختیار کارگران قرار داد. (این کار برای تبلیغ صندوق ضروری است)

در این رابطه میتوان با کمک بعضی از کارگران مبارز ضرورت صندوق و همیاری با آنرا در جلسات عمومی کارگران تبلیغ کرد.

۳ - شرایطی که صندوق اعتصاب با ید بصورت مخفی ایجاد شود، در چنین شرایطی معمولا تعدادی از کارگران مبارز پیشقدم شده و اقدام به تشکیل صندوق اعتصاب می نمایند. در این حالت محل صندوق، مشخصات مسئولین و کارگرانی که به آن کمک و یاری میکنند، همگی باید مخفی باشد. در این شرایط میتوان به کارگرانی که به صندوق کمک می کنند، کا غذاهای با مهر صندوق و بعنوان "رسید" داد.

موجودی صندوق هرما به یکبار بصورت مخفی (با نوشتن به درود بیوا رو با پخش تراکت و...) با ید به اطلاع کارگران برسد و هنگام اعتصاب پرداخت پول به کارگران تا حد امکان با ید بصورت مخفی انجام گیرد. ایجاد صندوق اعتصاب در شرایط سخت پلیسی، حفظ و جلوگیری از لولرفتن آن و اعلام موجودی آن هرما به یکبار روحیه مبارزاتی کارگران را بالا برده و سه آنها در عمل نشان میدهد که مبارزه جریبان دارد و عده‌ای از رفقای آنها هستند که در هر شرایطی در راه منافع کارگران و زحمتکشان مبارزه میکنند.

در این زمینه عنا مروهسته‌های کمونیستی باید در تشکیل و حفظ صندوق اعتصاب با فعالانه شرکت نمایند و با طرح و آموزش اصول آن به کارگران و راهش رهنمودهای مناسب، حفظ و تدوام کار آنرا عملی تر سازند

**توضیح و توضیح**

متاسفانه در اخبار روزگارشهای مربوط به وقایع دانشگاهی شیراز و اهواز که در بهار ۵۲ چاپ شده است در چند مورد اشتباهاتی ناشی از بی دقتی در ارسال گزارش رخ داده که بدین وسیله ضمن پوزش از خوانندگان تصحیح می شود:

۱ - در گزارش مربوط به دانشگاه شیراز تعداد کشته‌ها سه نفر ذکر شده که درست نیست.

۲ - در گزارش مربوط به وقایع دانشگاه جنبدی شاپورا هواز، خبری فبئی برصدور حکم اعدام دو تن از کارکنان صنعت نفت (ابدی و مکتندی) و دستگیری محمد جواد خا تمی درج شده که غیرواقعی است.

اصل خبر بدین صورت بوده که ابدی و مکتندی دستگیر شده و سپس در شرفشکار کارکنان کارخانه اهواز ۴ و اداره مهندسی آزاد شده اند و محمد جواد خا تمی اساسا دستگیر نشده است

**هموطنان مبارز! رفقای گرامی!**  
**کمکهای مالی خود را از هر طریق که**  
**میتوانید به دست ما برسانید**

**بقیه از صفحه ۲ زندانیان ۰۰۰**

مشولان سپاه و عواملین کشتار خلق ترکمن) و محمد غرضی (استاندار خوزستان) به شکنجه‌های روانی این زندانیان پرداختند و زمانی دیگر خود فروختگانی نظیر احمد رضا کریمی و اصغر میرزا جعفر علاف که پشت به خلق کرده و در سالهای قبل خود را در اختیار سواک گذاشته بودند، ما موری شوند تا به وسیله‌ای که شده مقاومت زندانیان را درهم شکسته و خیال خود سلاخی برای حمله به نیروهای انقلابی و چپ ببندند.

در روزهای اخیر با ندسیا حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی دست اندرکار توطئه دیگری هستند: نزدیک به یکماه قبل در روزنامه کیهان خبری درج شده بود حاکی از آنکه کمالی (کمانگر) شکنجه گرم معروف ساواک دستگیر شده است در صورتیکه وی مدتها قبل از آن یعنی در آذرماه گذشته با سارت در آمده بود! این شکنجه گرم زودرتی این مدت، توسط عزت‌شاهی تحت آموزش قرار گرفته تا برنامهای را بدین توطئه‌پوشی همچون تهرانی جلاد برای حمله به نیروهای انقلابی اجرا نماید.

سازمان مافمن افشای توطئه این باندهای سپاه از همه نیروهای انقلابی میخواهد که با کار آگاهانه خود توطئه‌های این خائسین را پیشاپیش نقش بر آب ساخته و این دلقکان سیاسی را پیش از پیش رسوا سازند

# جنبش دهقانی



## پیروزی دهقانان روستای «حاجی آباد» بر ژاندارمها و زمینداران بزرگ

روستای «حاجی آباد» با ۱۲۰ خانوار در ۳ کیلومتر مربعی لاهیجان قرار دارد. اخیراً اهالی این روستا تصمیم گرفتند که حدود ۳۸ هکتار زمین باغ چاشنی، متعلق به نیک سادات از زمینداران بزرگ لاهیجان را بین خود تقسیم کنند. اما با ممانعت پاداران مجبور شدند با نوشتن نامه به سپاه پاداران، فرمانداری، اداره کشاورزی، خواستار تقسیم زمین شوند. یکماه بعد از طرف مقامات دولتی گفته شد که زمین را تقسیم کنند. به تاریخ ۵۹/۱/۲۸ دهقانان بوسیله شورای ده زمین را بین خود تقسیم کردند که کلاً به هرنفر ۲۰۰۰ متر رسید و هر کس در طرف زمین خود حدود ۳۰۰ متر در دست کرد. سه روز بعد در تاریخ ۵۹/۱/۳۱ یک گردان ژاندارمها مسلسل ژ - ۳، کلت و بهمه سواره نیک سادات از لاهیجان به ده «حاجی آباد» آمدند.

ژاندارمها ضمن خراب کردن حدود ۲۰ زمینها گفتند که ما از طرف رئیس جمهور مدرک داریم و رئیس جمهور زیر این مدرک را امضا کرده است که «تمام باغهایی که تقسیم شده است دوباره به ما باقی میماند» (یعنی زمینداران) باید برگردانند. دهقانان شجاعانه مقاومت کرده و گفتند: «ما با باغ بیرون نمی رویم، بیایید ما را بکشید، ما چیزی را از دست نمی دهیم» و بدنبال آن اهالی ده دوطرف جاده را با آتش زدن چوب و لاستیک بند آوردند. سپس در حالیکه شامی دادند: «مرگ برفشودال، مرگ بر نیک سادات، بسوی وی حمله ور شدند، اما ژاندارمها وی را محاصره کرده، او را از دست دهقانان نجات دادند و چون با مقاومت قاطعانه دهقانان روبرو شده بودند ده «حاجی آباد» را ترک کردند. ■

## مبارزه شورای دهقانان «کوه چقایی بیامه پیوه پنج»

قریه «کوه چقایی بیامه پیوه پنج» از توابع کرد غرب، دهی است دارای ۴۰ خانوار که ۲۲ خانوار آن با اجرای طرح امپریالیستی «انقلاب سفید» زمینهاشان را از دست دادند. مالک این ده «موسی خان تیموری» نام دارد که با پشتیبانی مزدوران رژیم منفور شاه، دهقانان را از زمینهای خود راند و آنها را استثمار می کرد. دهقانان این روستا از همان سال ۴۵ به ادارات رژیم شکایت کردند که طبیعتاً در ماهیت رژیم خائن شاه نبود که به خواسته های بحق آنان پاسخ مثبت داده شود و جز زندان و شکنجه و آزار و اذیت دیگری نصب دهقانان زحمتکش نگردد.

رادر پشتیبانی از موسی خان تیموری و امثال او می بیند که کوچکترین ترتیب آثاری به تقاضای مکرر روستائیان و شورای دهندانده است. اهالی ده دیدند که رژیم جمهوری اسلامی حامی زمین داران بزرگ می باشد. در تاریخ ۵۹/۱/۷ با یک اقدام انقلابی زمینهای مالک را محاصره کرده، نصف آن را بزرگش بردند. بدنبال این مصداق انقلابی زمینها توسط دهقانان، سرپرست به اصطلاح دادگاه انقلاب اسلامی قصر شیرین پیل ذهاب «عبدالنبی نمازی» (که طی چند ماهه پس از قیام بارها به ضرب و جرح، دستگیری و شکنجه مبارزین منطقه بویژه دانش آموزان، معلمان و زحمتکشان اقدام کرده است)، طی اطلاعیه ای در تاریخ ۵۹/۱/۱۶ به اهالی قصر شیرین، پیل ذهاب، اسلام آباد دکرد غرب، گیلانغرب، شهر نفت و سوما را شدیداً اخطار کرده که کسانی که اقدام به محاصره زمینهای مالکین بنمایند، تحت تعقیب قرار می گیرند. زمینها به «مالکین قبل از انقلاب» یعنی زمینداران بزرگ همدست رژیم شاه خائن بازگردانده خواهد شد.

آری رژیم که در حرف و شعار خود را طرفدار زحمتکشان و «حامی مستضعفان» قلمداد می نماید در پانزده ماهه پس از قیام نه تنها قدمی در تغییر زندگی دهقانان زحمتکش ما برنداشت بلکه در همدستی با زمینداران غاصب از هیچ تها و زورستی علیه زحمتکشان روستائی دریغ نکرده است. ■

بعد از قیام خونین بهمن ۵۷، دهقانان بی زمین که خود در مبارزه جهت سرنگونی رژیم شرکت کرده بودند امیدوار بودند که رژیم جمهوری اسلامی دست مالک غاصب را از زمینهای آنها و اجادای آنان کوتاه نماید، ولی ماهها انتظار آنان ثمری نداشت. دهقانان این قریه برای مشکل کردن خود و سازماندهی مبارزات خویش در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۱ شورای دهقانی خود را تشکیل دادند. آنها برای تحقق خواسته هایشان نامه های متعددی به آیت الله خمینی، «شورای انقلاب»، «دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه»، «دادگاه انقلاب سربل ذهاب»، وزیر کشاورزی، استاندار کرمانشاه و فرماندار اسلام آباد غرب نوشتند، ولی رژیم جمهوری اسلامی که منافعی

بقیه از صفحه ۱۶ پاسخی به ۰۰۰

می نماید که هرکدام بدلیلی و برای سرکوب خلقهای خود می خواهند از اختلافات فی ما بین بهره بگیرند و با بزرگ کردن آنها به منافع خود برسند و این با توطئه مشترک دوزیم و دزدانها فرق دارد. یعنی همان چیزی که مقاله کیهان نخواست است آنرا بفهمد و بیان کند.

۲ - در رابطه با مقاله ای تحت عنوان «پیام ضد انقلاب به ضد انقلاب» که به نسبت داده اید، باید بگویم که ما با مقاله ای تحت این عنوان در پیکار وجود نداریم و این بی شک از ابتدای ذهن نویسنده یا نویسندگان مقاله است که نوشته ای با عنوان فوق الذکر خلق شده است.

۳ - ما و برخی دیگر از نیروهای انقلابی را تلویحاً چنین تعریف کرده اید: «... علفهای هرزی که پس از انقلاب تولید شده اند! و مثل قارچ زاد و ولد می کنند» که باید بغرض برسانیم ما و بسیاری از نیروها - هائی که امروز مورد بدترین اتهامات و تهاجمات - مردانه ترین حملات از طرف تاز و بقدرت رسیده ها و اعوان و انصارشان قرار می گیریم خیلی پیش از قیام بوده ای شکوهمند بهمن ما همه باره خود را در میان خون و آتش با رژیم و بسته به امپریالیسم شاه جلاد آغاز کرده ایم، زما نیکه ما به رژیم منظور بهلوی و حامیان امپریالیستش اعلان جنگ دادیم و در سخت ترین شرایط دست از نبرد نکشیدیم و اغلب سردمداران و قدرتمندان کنونی که امروز «انقلابی» شده اند، با درمنازل خود امید و به تقیه مشغول بودند و با در فرنگ به «تحقیق» و «تفحص» سرگرم بودند و حتی از شرکت در مبارزات غذا میزبان لیستی نیروهای خارج از کشور نیز خودداری می کردند. آری، تاریخچه فعالیت های انقلابی ما را خون شهدای ما شاهد است و نیروهای آگاه مردم ما نیز بر آن گواهند و بسیاری نخواهد بود که تبدیل به عوام مغربیه نه حزب و گروههای خلق الساعه بعد از انقلاب که اتفاقاً (اتفاقاً) جنگی آنها همه اصطلاح اسلامی و مدافع اسلامند بر اکثریت مردم ما روشن خواهد شد.

۴ - شما، ما و دیگر نیروهای راکه سازشها و اعمال خدمت می رایی محابا و فارغ از سیاست بازی - ها و حسابگری های مذبذوران می کنیم، با حزب توده زمان دکتر محمد مصدق مقایسه کرده اید و رژیم حاکم را با حکومت آللنده در شبلی و مصدق در ایران قیاس کرده اید و اعمال ما را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی «صدیرا برخاسته تر» از اعمال و عملکرد حزب توده زمان مصدق ارزیابی کرده اید. ما برای اینکه شما را از «قرا موئی» در رژیم و سبتر بگوئیم، موضع خود را توضیح دهیم و نشان دهیم که مقایسه بین حکومتهای مصدق و آللنده با حکومت جمهوری اسلامی قیاس مع الفارق است، باید آوری شویم که هیچگاه در زمان مصدق و آللنده قلب و مغز کارگران حق طلب که جرمانه تقاضای کار برای ادا مزندگی مشقت بارشان بود هدف رگبار پاداران حکومت قرار نگرفت. هرگز مصدق و آللنده، نمایندگان خلقهای کنورسان رادر محبتنا جوا نمردانه تر و زور نگردند. ابا با بدهای بقیه در صفحه ۱۲

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

# چرا «انقلاب فرهنگی»؟

روزهای گذشته رژیم جمهوری اسلامی تاکنون در اداسیها و سراسر انداختن قشون مسخره و ماموران و نداره‌سندان حرب - الطیبی، باز میگردد همگوارا به معاش گذاشت، با سس عداوت کداسی با آرا "انقلاب فرهنگی" تا مید و مدها س از مخالفان این "انقلاب فرهنگی" را در گوید و کما ز کور و ردا آنها کند، حتی با فحبعی که حد اس سوشن عوام فرسایه و در عین حال مسخره صورت گرفت وحشی در زمان ناهنرزی سابقه بود. آن حاسی فراری حدائل در ظاهرا جارسودا حدودی ساسی سده اصطلاح "عرف سن المللی" و... باند و محکا بدخودا خار دمی داد کداسی حسین گسنا خانه و افنا رکسختد، همزمان اکثر اداسگاهها ربا خاک و خون بکشد، ولی آسطور که بیداست باند های سیاه به سردمداری حزب جمهوری اسلامی، مفتخر از فرهنگ و معنویاتی که از آن دم می زنند، ظاهر آدللیسی برای آنکونه ملاحظه کارها احساس نمی کنند و چنین است که بیوروش به دانشجویان دختر در اوز و نجا وز و نسل حدسن از آنها، به گلوله بستن دانشجویان در شهرهای رست، زاهدان، مشهد، تهران و... تحسند سوشن "انقلاب فرهنگی" جا به عمل بخود می پوشد و بیوفهای تبلیغاتی رژیم، روز و شب در محسفات آن سخن سرائی می کنند.

ایمان که همواره با تکیه کلامان "اکثریت" و "تروم سعبی افلیس" از اکثریت است، آنجا که خود در اقلیت مطلق هستند، با اروپا گذاشتن آنچه که خود را دیگران می طلسمد، به کسنا روسکوب اکثریت میگردانند، دانشگاه این سنگرمه پیشه پایادارند استبداد و ضد امیرالاسم، می نایستد و در چنین سرنوشتی میشد، چرا که در آنجا ارتجاع در اقلیت بود و طبیعی است با انکاء بد آرا، اقلیت نمی توانست در خدمت اهداف جنبش خاکمدمتر را گیرد، در کردستان نیز وضع از این تر آرا است و چون جنبش خاکمدمه چگونه بایگاهی در آجا بدارد، بد آرا می شود که بیوروش و ناسنگ کسرت اسخارا با طاعت و ا دارد.

واضح است که اگر حاکم مملوستان ما به این امر آگاهی ساسد، هیچ زوا جار و جوا هند داد که سکا هپا و با محسین کردستان، این حسین سخاک و خون کسده بود و در دست سبهمین دلیل است که هبشت خاکمدمه بر سکاری تمام ولی را تحت بوشن "انقلاب فرهنگی" و دومی را تحت عنوان "حرکت طیبی" و سیا و اسکی بدست عراق "سرکوب می کند.

در وضع "انقلاب فرهنگی" رژیم، همانطور که عملا بد است، حصری بدست حرکوب دانشگاه ها و به سگوب و اداسین دانشجویان انقلابی، ولی آرا خاکمدمه جمهوری اسلامی قادر نبود همسوسن - داسکاماردن کار دد اسگاه از "مراجعت دانشجو - ساسن حلیس بود، اندا محسین گرفت داسگاهها را از وجود دانشجویان انقلابی حالی کند، ولی چگونه؟ - ساس روس است: یک "انقلاب فرهنگی" بدست عدو - ی حد عدل و صلح، سوام ساسلسعاف در وضع سسرای فرساختار عمومی، اکنون چمد سراسر آماده است. مدظ می مادمیران آس که سبهم السد در سسام بیوروشی و در ساسه حال اسسنا در دد است!

# کشتار دانشجویان زندانی در اهواز

دانشجویان زندانی در اهواز

بعلت درگیری یک استاد با یک پاسدار دیگر بطرف آنها شلیک کرد که هر دو آنها مجروح بر زمین افتادند، سپس همین پاسدار با تعویض خشاب بطرف دانشجویان انقلابی تیراندازی کرد، سه نفر از این فرزندان خلق در دم شهید شدند و حدود بیست و شش نفر از آنها غرق در خون بگف تالار افتادند، حدود ۸ آمبولانس مجروحین و شهدای حادثه را از محل خارج می کرد. وضع مجروحین بسیار روخیم است و احتمال شهادت چند نفر از آنها می رود. از هویت دانشجویان شهید اطلاعی در دست نیست، تنها نام تعدادی از مجروحین بدست ما رسیده است که بشرح زیر است:

- ۱ - غلامحسین کتانی ۲ - محمود سعیدی ۳ - عبدا -
- لحسین شاهی ۴ - بهروز کسرائی ۵ - اردشیر
- لیموجی ۶ - ایرج خدرائی ۷ - اردشیر عبیدل
- مولا ۸ - خلیل خادمی ۹ - ابراهیم آغا جاریان
- ۱۰ - سعید سهیلی ۱۱ - حسین فرزین ۱۲ - عبدا -
- لامیر مزروعی ۱۳ - مهدی سالی ۱۴ - محمد فکور
- ۱۵ - رضا دراجی

رکبا رملسلها و گا زاشک آوردان دانشجویان مجبور بعقب نشینی شدند ولی جنگ و گریز در خیابانهای اطراف دانشگاه همچنان ادامه داشت. ذامنه درگیری بشهر کشیده شد، توده های مردم با گرمی هر چه تما ستر از دانشجویان انقلابی استقبال می کردند و آنها را در خانه های خود پناه می دادند، اما پاسداران بی - شرمانه از در و دیوار وارد خانه شده، دانشجویان را دستگیری کردند، در این جنگ و گریزها تعدادی از دانش آموزان و دانشجویان توسط پاسداران از پای درآمدند و چنانا تکیه پیرومی، می گفت: من خودم دیدم که پاسدار روی زانو نشست و فغز جوانی را هدف گرفته و راجا بجا شهید نمود، در این درگیری ها تعداد زیادی از دانشجویان هوا دارا زمان و بیشگام دستگیر شدند که چندین نفر از آنها همچنان در بند هستند.

در این جریانات توده های خاشن نیز همصدا با حزب جمهوری اسلامی و با برآه انداختن بحث و گفتگو، دانشجویان رزمنده و انقلابی را آشوبگر، اغتشاشگر و... قلمداد می کردند، و متاسفانه موضع منزلیتی که رفقای بیشگام در جاهای دیگر داشتند در اینجا تیز دیده می شد. ■

موج حمله را آغاز کردند، روزهای بعد، یعنی سه شنبه و چهارشنبه که همزمان بود با کشتار دانشجویان در دانشگاه اهواز، این بار چماق داران با بسیج قدره - سندان بیشتری بساط کتا بفروشی های کتا رخبا بان راه آتش کشیدند، رورچهارشنبه بعد از ظهر آنها با جمع کردن عده ای از همپالکی ها شان از سه منطقه میا نکوه، میدا نجفروا میدیه به کتا بفروشی های هوا داران چریکها و سا زمان نیکار در ا میدیه حمله ور شده و با شکستن درب و آتش زدن کتا بها عملا دشمنی و در عین حال زبونی رژیم را در مقابل بله با نیروهای انقلابی و فرهنگ انقلابی به نمایش گذاشتند. ■

"ساواکی آزاد است" خاتواده های زندانیان سیاسی حوادث دانشگاه اهواز هر روز در اطراف محله های نگهداری فرزندان خود تجمع می کنند، بسیاری از آنها از سرنوشت فرزندان خود اطلاعی ندارند، تعدادی از دانشجویان بسر در محل تالار شهرداری نگه داشته اند، اما بعد جنابات رژیم در اهواز حتی به کشتار این دانشجویان نیز کشیده شده است، جریان واقعه چنین است:

عصر روز پنجشنبه ۵۹/۲/۴ جمعیت زیادی از خاتواده دانشجویان و دانش آموزان دستگیر شده در سرون تالار شهرداری جمع شده بودند و بر علیه جنابات پاسداران، شورای انقلاب و بنی مدرسه آرای می دادند، از داخل تالار نیز غریبوشعراهای "مرک بر آمریکا، مرک بر ارتجاع"، "ساواکی آزاد است"، دانشجو در بنداست"، "بگوش می رسید، خاتواده های زندانیان در حال شعار دادن بطرف در تالار راه افتادند، نرسیده به نزدیک در، پاسداری رگبار مسلسل را بروی آنها گشود، سه نفر از ما دران مجروح شده و بخون غلطیدند، در داخل تالار نیز پاسداری

## چگونگی یورش به دانشگاه گیلان

دانشگاه گیلان - رشت نیز از جمله مراکز بود که مورد حمله پاسداران و وابشای حزب جمهوری اسلامی برهبری هادی غفاری و بهنرهای انضامی استاندار و کرمی دادستان قرار گرفت، بدنبال اعلام خبر حمله به دفاتر گروههای سیاسی در دانشگاهها دانشجویان انقلابی دانشگاه گیلان خود را برای مقاومت و دفاع از سنگر آزادی آماده کردند با این برنا مه که با بدر بر ا بر هجوم چماق داران فالانزقا ومت کرد، اما نباید مردم متهم درگیر شد، در این موقع گروههای مختلف مردم، دانش آموزان و دانشجویان دیگر مراکز به دانشگاه آمدند تا در دفاع از سنگر آزادی در مقابل ارتجاع سهیم باشند، ساعت ۱۱/۵ صبح روز سه شنبه ۵۹/۲/۳ حمله ارتجاع به دانشگاه آغاز شد، بیورشگران دوبا ر توسط دانشجویان بعقب رانده شدند، پاسداران با دیدن این وضع آتش رگبار را بروی دانشجویان انقلابی گشودند، در همان دقایق اول درگیری ۴ نفر از مردم و دانشجویان جا جا شهید شدند و صدها نفر بر اثر گلوله و سنگ و جمای مجروح گشتند، پس از یک ساعت درگیری و در زیر

## «انقلاب فرهنگی» در آغا جاری

همزمان با بیوروش سراسری رژیم به کردستان و دانشگاهها و بطور کلی هر آنچه که نشانی از آزادیگی دارد، کتا بفروشی های کتا رخبا بان شهر آغا جاری نیز توسط چماق داران حزب جمهوری اسلامی به آتش کشیده شد، صبح روز سه شنبه ۵۹/۱/۳۰ وقتی که پاسداران به ما حیان دکه ها گفتند که بساطتان دوا می نخواهد داشت، روشن بود که چماق داران اعلان جنگ داده اند، بعد از ظهر همان روز یک گروه ۴۰ - ۳۰ نفری از چماق داران، این مبنران "انقلاب فرهنگی" را ولسن



مردم مبارز ایران!

کردستان را دریابید!

بیش از دو هفته است که کردستان همچنان در خاک و خون مفاومت میکند. طی این مدت هیئت حاکمه به بهانه مبارزه با رژیم بعث عراق که صولا بهیچوجه در مرزهای کردستان حضورنظا می ندارد، خلق کرد را با بمبارانهای هوایی، با توپ و خمپاره کشتار می کند. در این میان شهرهای سنندج و سقز در حلقه محاصره ارتش و پاسداران، روزهای بسیار دشواری را از سر میگذرانند. اکثر قریب به اتفاق خانه های مسکونی شهر سنندج توسط گلوله پاران ارتش و پاسداران ویران شده و با حداقل آسیب دیده است. بیمارستانهای شهر نیز از این حملات مسمون نمانده اند. بسیاری از زخمی شدگان در اثر نبود پزشک و دارو در آستانه مرگ قرار گرفته اند. بعلافت شدت حملات زمینی و هوایی، شمارش تعداد کشته شدگان و حتی امکان کفن و دفن شهدا میسر نیست.

در چنین شرایطی رژیم هنوز متکرمبمباران شهرها و کشتار وسیع خلق کرد بوده و میگوید تا آنجا که بتوانند مردم را از کشتار خلق کرد بی اطلاع نگه دارند لکن در برخی موارد آنچنان جنابیات هولناکی صورت میگیرد که دیگر نمیتوان آنرا پنهان داشت.

از جمله اعتراف صریح استان آذربایجان غربی که از طرفداران پروپاقرص سرکوب خلق کرد است، دروغپردازیهای دستگاها که رانقش بر آب میکند، این اعتراف که در اینجا آنرا ملاحظه میکنید، نشان میدهد که نه تنها شهرها بلکه جاهها و بنیابانهای کردستان نیز از تعرض وحشیانه ارتش درامان نمانده است.

استاندار آذربایجان غربی:

بر اثر اصابت گلوله های هلیکوپتر ۱۱ مسافر کشته شدند

در این واقعه، ۲۳ نفر نیز زخمی شد

ارومیه - خبرنگار اطلاعات  
چندی پیش حاکم استاندار از ظهر دوشنبه در جاده آذربایجان غربی املا کرد ۱ بوکان - سز اتفاق افتاده بر اثر اصابت گلوله های هلیکوپتر به دو مینیبوس مسافری در ۱۵ کیلومتری بوکان - سز منجر به کشته شدن ۱۱ نفر و زخمی شدن ۲۲ نفر گردید. وی افزود: برای سرعت بخشیدن به مداوای زخمی ها اقدامات لازم بعمل آمده است.

(اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)

شلیک هلی کوبترهای نظامی به ما شینهای مسافری نماینگرا بعدا وسیع و هولناک جنابا نی است که رژیم در کردستان بر اه انداخته است، اکنون مردم ایران بخوبی می توانند دریا بند که کشتار و سرکوب در دناشگاها و توطئه سکوت رسانه های گروهی بویژه رادیو و تلویزیون در مورد آنچه که در کردستان میگردد، همه وهمه بخاطر آنست که سرکوب بیرحمانه خلق کرد در شرایط عدم آگاهی توده ها از واقعیت جناباتی که در آنجا رخ میدهد، صورت گیرد.

هموطن مبارز! کردستان عزیز و خلق کرد سکوت ما را در برابر زخمهای عمیقی که بر بیکرش می نشیند نخواهد بخشید. بر ما ست که بیاری خلق دلاور کرد بر خیزیم و مانع از آن شویم که کردستان قهزمان بیش از این بخاک و خون کشیده شود.

بقیه از صفحه ۱

نامه های ...

بوقهای تبلیغاتی اش آنرا کما ملا و اروونه معرفی کند، نشان می دهد:

خدمت پدرو ما در گرام

در این لحظه که این نامه را می نویسم کمتر از ۲۴ ساعت مانده به حرکت ستون به داخل شهر سنندج مردم همه صلح اندوه به ایمانی را سخ قعد دارند جلوی ما را بگیرند. پدرو ما درم امیدوارم حرف من را بفهمید. تمام سربازان فهمیده اند که فردا جمعه سیاه است اما نه برای مردم بلکه برای ما. در مقابل ما مردم صلح وجود دارند، مزد می که از جان و مال خود گذشته اند و در راهی که دارند حاضر به هرگونه فداکاری هستند. من نمیتوانم بروی خلقی که برای هدف مقدس خود یعنی آزادی می رزمند، آتش بکشم در دستانی کی از فردا خبردارد؟

اما این را میدانم که من شلیک نمی کنم چون به آنها ایمان دارم و ما این را شما بدانید. فردا روز نهایی است. فردا ست که معلوم میشود قدرت مردم از همه چیز بالاتر است. ما در فردا گانه سنندج مستقر شده ایم و ستونی هستیم تا دندان مسلح.

پدرو ما در گرام می در این دوروز که در اینجا هستیم به رادیو گویش می دادم و آن وقت بود که حقیقتی تلخ بر من روشن شد. چرا که هر چه در رادیو می گفت درست ۱۸۰ درجه مخالف آن چیزی بود که در اینجا بود میگفت گروه های سیاسی. اما اینجامرند تمام کردستان.

اگر بتوانم خودم را تسلیم خواهم کرد و در جبهه آنها خواهم جنگید ولی این را بظنم نمیکنم که بروی آنها تیراندازی می کنم.

از طرف من بچه ها را بپوشید، به دوستانم سلام برسانید، امیدوارم از من راضی باشید و ناراحتی از من نداشته باشید و فکر نکنید گول خوردم، بلکه این راهی است که خودم انتخاب کرده ام. با میدیدار. در ضمن تمام راههای ورودی بسته شده است. زندگی چه زیبا ست اگر در راه هدفی باشد.

فرودگاه سنندج - ساعت ۶ بعد از ظهر

کنا ر هلیکوپتر - ۵۹/۱/۲۹

پدرو ما درم آدرس مشخص ندا رم چونکه وضع ما روشن نیست و معلوم نیست کجا با شیم چونکه تا حالا هر جا رفتیم دوسه روز بیشتر نماندیم. هر جا می مانیم در زیر جاده های انفرادی هستیم و از نظروضع ما نند دوران جنگ است. غذا نیست، آب نیست، هر ققمه آب برای ۲۴ ساعت و هر عددننا برای ۲۴ ساعت. تنها با تجهیزات میخوایم ولی با این همه هیچ ناراحتی ندارم بجز دوری از شما و برادرهایم، نامه ای که در کنار این نامه است دیروز نوشتم و وقت نداشتم کامل بنویسم و چون هوا پینما میخواید پرواز کند اما نامه را نیز با عجله می نویسم ارتباط ما فقط از راه هوا است.

پدرو ما در هر چیز را که در باره سنندج در رادیو می شنوید دروغ محض است. همین الان راننده هلیکوپتر خبر داد که تمام مردم شهر روی کف خیابانها نشسته اند و نمی گذارند ما از شهر بگذریم. این که ما برای تعویض سربازان نامه می رویم دروغ است چون که ستون ارتشی بجز ما کردستان را از هر طرف محاصره کرده و نقشه شومی در سر دارد که میخواید بوسیله ما سربازان پیاده شود، ولی بهر حال امیدوارم هیچ حادثه ای اتفاق نیفتد. دیروز که مردم شهر به کنا رفرو دگا آمده بودند من توانستم به پشت سم خا ردا بر بروم و با یکی صحبت کنم. او میگفت اگر شما به ما حمله نکنید ما هم با شما کاری نداریم. او به من گفت شما برادرهای ما هستید ما فقط حمان را می خواهیم مگر حق خواهی در دین اسلام حرام است. به هر جهت امروز ما آن فلاحی ندا نتجا آمده بود و گفت هر کس نمی، خواهد بیرون آید بیرون او را به تهران می بریم و هیچ کاری با او نداریم. انتظار نداشت که کسی بیرون بیاید ما خیلی ها آمدند. وقت ندا رم جمله را تمام کنم چونکه هلی کوبتر روشن شده و آماده پرواز است.

خدا حافظ، به همه سلام برسانید

فرزند شما ...



آری روزهای پر شکوه قیام بهمین را در خاطره ها زنده می کند! اما قیام بهمین نیست، عکس است از مفاومت یکپارچه و سراسری روزهای اخیر مردم سنندج در مقابل نورش ارتش و ساء پاسداران! آسما اراده ان مردم را میتوان با توپ و تانک آمریکائی درهم شکست؟

دست ارتش و پاسداران از کردستان - سو...

# اخبار جنبش جهانی کارگران و زحمتکشان

## آمریکا

انحصارات امپریالیستی آمریکا نه تنها خلقهای جهان را غارت می کنند، بلکه زحمتکشان آمریکا را نیز شدیداً استثمار می نمایند. در این ارتباط اخیراً در آمریکا یک رشته اعتراضات گسترده شروع شده که هنوز ادامه دارد. زحمتکشان حمل و نقل نیویورک دست به اعتصاب زدند و صد و هفتاد هزار تن از همکارانشان نیز در شهرهای دیگر به آنها پیوستند. ۷۰ هزار زحمتکش نفت در کلرادو (یکی از ایالات آمریکا) و ۱۰۰ هزار کارگر صنایع شیمیایی دست به اعتصاب زده اند. این اعتصابات برای افزایش دستمزدها و بهبودی شرایط کار است.

## فرانسه

پایتخت فرانسه را اعتصاب زحمتکشان خدمات عمومی دربرگرفته است. کارگران خواهان افزایش دستمزدی با شش و سه شصت شریک زندگی خود اعتراض دارند. زحمتکشان متروی پاریس که غالباً کارگران مهاجر عرب می باشند نیز کارگران راه آهن فرانسه دست به اعتصاب زده اند. علاوه بر زحمتکشان اعتصابی "فرودگاه ها و ریلی" خواهان تجدید قرارداد های کار، افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار میباشند.

## انگلستان

در سال جاری مسیحی جنبش اعتراضی در انگلستان نیز اوج گرفته است و تقریباً تمامی بخشهای اقتصاد سرمایه داری انگلستان را فرا گرفته است. بطور نمونه می توان به اعتصاب طولانی ۱۰۰ هزار فلزکار شرکت "بریتیش استیل کورپوریشن" (BRITISH STEEL CORPORATION) اشاره نمود. این اعتصابات نتیجه اعتراضات دهرانی این کشوری باشد که فشار سنگین خود را در درجه اول به طبقه کارگر تحمیل می کند.

## پرتغال

در پرتغال فلزکاران پرتغالی اخیراً دست به اعتصابی زده اند که ۲۰۰ هزار تن را در بر می گیرد. آنها همچنین در شهرهای مختلف کشور میتینگهایی در اعتراض به سیاست ضد کارگری کارفرمایان سرمایه دار برگزار می کنند.

زحمتکشان موسسه نفتی "پتروگرا" نیز دست به اعتصاب گسترده ای زده اند.

## ژاپن

زحمتکشان صنایع گرافیک و کاغذ سازی ژاپن به همراه کارگران دئوموسه بزرگ "هیئاری" و "توشی" و نیز رانندگان دست از کار کشیده و در حال حاضر در اعتصاب بسر می برند. بهمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، ۶۰ میلیون تن از کارگران ژاپنی نظاهرات گسترده ای برپا نهادند. و این در حالی بود که بورژوازی امپریالیستی ژاپن هرگز نتوانست نظاهرات را در این روز ممنوع اعلام کرده است.



# اخبار و مسائل جهانی

## پیروزی خلق زیمبابوه شکوفان و پاینده باد!

بنحوی از آنجا که از طریق کثرت و پیروزی می گذرد، تقسیم امکانات کثرت و پیروزی چنان ظالمانه است که در سال ۱۹۷۶ مزارع متعلق به سفیدپوستان ۴/۵ تولید کثرت و پیروزی زیمبابوه را تولید کردند، در حالی که تنها ۱/۵ تولید کثرت و پیروزی از زمینهای سیاهپوستان حاصل شد.

سرانجام پس از ۵۷ سال سلطه استعماری و حکومت کارانه سفیدپوستان نژادپرست، خلق مبارز زیمبابوه (رودزبای سابق) استقلال خود را جشن گرفت. هجدهم آوریل (۲۹ فروردین امسال) با اعلام استقلال پنجاه و یکمین کشور آفریقا و آخرین

- تحقق این مرحله از پیروزی خلق انقلابی زیمبابوه، پیروزی خلق ما و همه خلقهای ستمدیده است.
- کشورهای خط مقدم جبهه، موزامبیک و آزیمیا چه نقشی در مبارزات خلق زیمبابوه داشتند؟
- مشکلات حکومت زیمبابوه مستقل کدامند؟



استعماره انگلیس، خلقهای ستمدیده آفریقا، سنگری دیگر را فتح کردند و خلق زیمبابوه و حقوق ملی او که به رسمیت شناخته نمی شد از نو تولد یافت.

تحقق این مرحله از پیروزی برای خلق انقلابی زیمبابوه نه تنها برای خلقهای آفریقا بلکه کلیه خلقهای ستمدیده جهان که علیه امپریالیسم تبعیض نژادی و ارتجاع در اشکال مختلف میجنگند خیری است. مسرت بخش که همگی خود را در آن پیروزی سهمی می دانند، اما کمونیستها بر اساس اصل لنینی حمایت از حقوق خلقهای تحت ستم، از مبارزات خلق زیمبابوه برای به زانو درآوردن نژادپرستان و کسب استقلال و نیز از ادامه مبارزات این خلق در راه تحکیم استقلال ملی و تامین حاکمیت کارگران و زحمتکشان پشتیبانی کرده و می کنیم و تحقق این مرحله از پیروزی را بخلق قهرمان زیمبابوه و انقلابیون آن سرزمین شادباش می گوئیم.

اناراتی که در زیمبابوه آید کوشی است تا خواننده را به وضع این کشور تازه تولد یافته و مبارزات دلبران خلق زیمبابوه و شرایطی که بر آن حاکم است تا حدی آشنا سازد:

زیمبابوه کشوری است در نیمه جنوبی آفریقا که با کشورهای موزامبیک، آزیمیا، و نیز آفریقای جنوبی مرز مشترک دارد. جمعیت آن حدود ۷ میلیون است که دویمت هزار نفر سفیدپوست که از اروپا بدانجا مهاجر کرده و از دهها سال پیش به استعمار این منطقه پرداخته اند، حکومت را در قبضه خود داشته اند.

در سال ۱۹۲۳ در چهار رجوی اتحادیه آفریقای جنوبی که متشکل از مستعمرات انگلیس بود، حکومت خودمختار سفیدپوستان در سرزمین زیمبابوه بوجود آمد و آنرا نام یکی از استعمارگران انگلیسی (اسل رودس)، رودزبای نامیدند. در آن زمان تعداد سفیدپوستان ۲۳ هزار نفر بود که مالک ۱/۳ زمین های رزای آنها را روع حاصلخیز آن بودند در صورتیکه ۱/۳ زمین ها به در مالکیت بلکه در اختیار آفریقاییهای رودزبا "تودکس" با ۸۶۲ هزار نفر می رسید. زمینداری سرک استعمارچیان را به دهقانان و کارگران کثرت و پیروزی تحمیل کرده و تقریباً ۵ میلیون از ۷ میلیون مردم آن کشور در کسبان

در کنار بهره کشی استعماری در زمینه کثرت و پیروزی با بدبختی مواد خام زیرزمینی (منجمله طلا، کروم، اورانیوم و پلاتین) و منابع طبیعی این کشور هم - چنین گسترش محدود موسسات و مناسبات سرمایه داری در آن اشاره کرد.

در استعمار خلق زیمبابوه غیر از امپریالیستهای انگلیسی، آمریکا و اروپا نیز با و نیز رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی شرکت داشته اند. علاوه بر اینها وجود رودزبای دوشیکه نظامی امپریالیسم دارای اهمیت استراتژیک بوده است.

اوج گیری مبارزات استقلال طلبانه و رهائی بخش در آفریقا در سال های ۵۰ و ۶۰ سیاستمداران مکار انگلیسی زابحیلای تازه و داشت و بر اساس آن بان اسفیت نمایندة اقلیت سفیدپوستان رودزبا در سال ۱۹۶۵ ظاهراً بطوریکطرفه (بدون موافقت انگلیس!) اعلام استقلال کرد. انگلستان و دیگر امپریالیستهای اروپایی و آمریکایی هر چند نظاهرات این اقدام بان اسفیت را محکوم می کردند و آنرا مشمول "تحریم اقتصادی" می نمودند ولی عملاً سیاستی مستقیماً و بطور غیر مستقیم از طریق آفریقای جنوبی به رودزبا کمک می رساندند.

مبارزات استقلال طلبانه مردم زیمبابوه سرانجام به مبارزات سازمان یافته و انقلابی مسلحانه بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱۰ پیروزی ۰۰۰

### سخنی با رفقای هوادار

رفقا!

هما نظور که ملاحظه می کنید بدلیل اشکالاتی که در امر چاپ پیش آمده مجبور شده ایم که قطع نشریه را کوچک کنیم و در نتیجه حجم مطالب نشریه نیز کمتر شده است. و بدین ترتیب در این شماره ما نتوانستیم از کلیه گزارشات و اخباری که بدست ما رسیده است استفاده نماییم. در شماره های بعدگوش خواهیم کرد که با رفع اشکال پیش آمده گماکان تمامی اخبار و گزارشات قابل انتشار را در نشریه درج نماییم. مطلب دیگری که در همین رابطه قابل طرح است این است که رفقای که امکانات چاپ و انتشار را در اختیار شما دارید با این بیکار و بی خبری از مطالب آنرا در این بخش موصوف در تکثیر و انتشار برخی مقالات پیش از این اقدام نمائید چرا که ما زمان با اشکالات فعلی قادر به انتشار اعلامیه ها و... در سطح کنونی نیستیم. پیروز با شید

بقیه از صفحه ۱۰ اخبار ۰۰۰

### ایراند شمالی

میهن پرستان ایراند شمالی بر نیروهای اشغالگر انگلیسی ضربه های در پی آورده اند. از آغاز سال جاری مسیحی آنها به دهها عملیات دست زده اند که در طی آن شمار زیادی از سربازان و مأموران انگلیسی کشته شده و برتاسیات دشمن خساراتی وارد آمده است. نیروهای اشغالگر انگلیسی سالیان طولانی است که می کوشند قنای زرات آزادبخش را سرکوب کنند و تسلط خود را برای ایراند شمالی تحکیم بخشند. ولی با وجود کشتار و تروار و دستگیری ها و زندانی کردن ها نتوانسته اند ایستادگی میهن پرستان را درهم شکنند. از سوی دیگر لاندن به بازی های عوام فریبانه ای نیز در جهت موجه جلوه دادن تسلط خود توسل جست که آخرین آن کوشش برای تحمیل قانون به اصلاح خود مختاری می باشد. در شرایطی که لاندن در پی آنست تا قنای زرات خلع ایراند شمالی را از ورای برنا مه های عوام فریبانه به گجراه بکشاند و راه حلی به اصطلاح سلامت آمیز بیابد. برخوردار قاطع و سرسختانه خلق ایراند شمالی پاسخ دندان شکنی بود برای اشغالگران. این واکنش نشان داد که در برابر اشغالگران تنها با بزدلی اسلحه بکار رود. خلق ایراند شمالی که خود را هدایت نتیجه مبارزه و برخوردار قاطع خود می باشد این مبارزه را با زهم گسترده تر با خت و برهش های خودخواه افزود تا قربانی تیرنگهای امپریالیسم انگلیس نشود.

### برزیل

اعتصاب کارگران صنایع فلز "ساووپولو" از یکماه پیش همچنان ادامه دارد. دیکتاتوری نظامی برزیل پس از اعلام غیر قانونی بودن اعتصاب فلزکاران "ساووپولو" علیه جنبش برحق کارگران دست به اقدامات سرکوبگرانه جدیدی زده است. حکومت فاشیستی برزیل بطور غشونت باری در چندین سدیگای فلزکاران دخالت نموده و با برگزینی رهبرانی که توسط کارگران انتخاب شده بودند، عوامل رژیم نظامی را بجای آنها گمارده است. این یکی از اقدامات فدکارگری دیکتاتوری نظامی است که هدفش وادار ساختن

بقیه در صفحه ۱۴

هم اکنون دولت تازه استقلال زیمبا بوه با مشکلات بسیاری روبروست.

۲۷ هزار نفر طی ۷ سال جنگهای آزادیبخش کشته شده اند. کشور نیمه مغربه است. آفریقای جنوبی که همبیمان نژادپرست خودیان اسمیت را از دست داده و خطر بهاء نزدیک تر شده است با بدترین تلاشهای وحشیانه اش را برای شکست زیمبا بوه مستقل بکاربرد. در عین حال زیمبا بوه به همین آفریقای جنوبی ۳۵۰ میلیون دلار بدهکار است. ذر زیمبا بوه ۸۵۰ هزار نفر و آره ویسی خانمان اندوه ۱۷۰ هزار نفر نیز در کشورهای همسایه (موزامبیک و مابیا) پناهنده هستند. نیمی از مدارس بسته است و ۴۲۰ هزار نفر از کودکان امکان راه یافتن به مدرسه را ندارند. حل مشکل زمین و اصلاحات ارضی یکی از عمده ترین مشکلات زیمبا بوه مستقل است. علاوه بر اینها با سازی مناطق روستایی، از بین بردن اختلاف درآمد ها که در حال حاضر نسبت ۱ به ۱۰ بین سیاهان و سفیدپوستان را دارد و با لاخره برچیدن نهادها و مناسبات تبعیض نژادی را باید بحساب آورد.

نخست وزیر زیمبا بوه مستقل، گهروی کارآمدش نه تنها خوش آیند انگلیس ها و آمریکا می باشد بلکه خوش آیند شوروی هم نبود (۳). در آغاز زمانمرداری "ترمش" های زیادی را نسبت به آنچه انتظار میرفت در زمینه های مختلف از خود نشان داده است. "ترمش" ها می که اگر در چارچوب تاکتیکی بماند، قابل توجه است. بشرطی که جهت گیری حکومت، بریدن قیود و روابط استعماری گذشته باشد. امری که جدا از ماهیت طبقاتی رژیم و میزان دموکراسی آنها نیست. اطلاعات ما در حال حاضر آن انداز نیست که خلاف این مسئله را ثابت کند. هر چند بهیچوجه نمی توان از راست روی های که چنانچه می در درون زانو و زاپوا از خود نشان می دهند، نگران نبود. "ترمش" های موگا به در مطبوعات جهانی تکفیتی زیادی برانگیخته و برپایه مواضع طبقاتی مغربین، در معرض نقد و تفسیرهای مختلف و متناقض قرار گرفته است. آنچه مسلم است اینکه رژیمهای وارث خرابیهای گذشته که پس از یک دوره از مبارزات انقلابی بوده ها، بهر طریق، بر سر کار می آیند، ممکن است که "ترمش" های تاکتیکی در زمینه های گوناگون از خود نشان دهند و نمی توان بطور مطلق و دگم از آنها انتظار داشت که راه اصول به مقصود را همواره مستقیم و بدون انعطاف تا کتیک (تظور که برخی تصور می کنند) طی نمایند. چه بسا آنها مجبور به پیوندن راه های غلط خطوط منحنی یا منکسر باشند. آنچه تعیین کننده است چستی است که آنها دارند: آیا در راه قطع وابستگی به امپریالیسم است یا تحکیم آن؟ آیا در راه تحکیم حاکمیت کارگران و زمینگشان است یا در راه هر چه دورتر کردن آنان از دخالت در تعیین سرنوشت خود؟ و بر همین اساس هم هست که در مقابل چنین رژیمهایی توان موضع حمایت با طرز ادا داشت.

امیدواریم با کسب اطلاعات بیشتری نسبت به اوضاع زیمبا بوه، در آینده مقالات تحلیلی مشخصتری نسبت به این کشور ادا شده ایم.

(۳) - نمودارینا خوشایندی شوروی را در رنگسازت زیر می توان دید: در جشن استقلال، هیئت کمابیتی از شوروی شرکت داشت. همچنین از نمایندگان آلمان شرقی، مجارستان و چکسلواکی هم دعوت نشده بود.

انجام مید. دنیروی انقلابی یکی با نام اختصاری زانویر هیری را برت موگا به دیگری زاپوهری جوشو انکومویس از چند سال مبارزه مسلحانه علیه رژیم یان اسمیت "جبهه میهن پرستان زیمبا بوه" را تشکیل دادند و تا زمان اعلام استقلال زیمبا بوه مشترکاً این جبهه را رهبری نمودند. این دونیرو هر دو مارکسیست می باشند. انکومویس است نزدیکی به شوروی را دنبال می کرد در صورتیکه موگا به هر چند بطور آشکارا موضوع فدشوری نداشت اما سیاست مستقلی را پیروی می کرد. سیاست جبهه میهن پرستان در مجموع این بود که از سیاست شوروی نیز در راه "حمایت از مبارزات زیمبا بوه استفاده کند.

امپریالیستهای انگلیسی و آمریکا می خیلند دیگری را نیز طی سالهای اخیر بکار بردند. آنها انتقال مسالمت آمیز قدرت را پیش کشیدند و نیروی سازشکاری را که یک کشیش بنا امسقف موزوروا در رأس آن قرار داشت تقویت نمودند و او را و آخرا سال ۷۹ پس از یک انتخابات فرمایشی یک دولت به اصطلاح ائتلافی به ریاست خودش و با مشارکت یکی از همکاران سابق موگا به که "سیتوله" نام داشت و خیانت کرده بود تشکیل داد. این خیل امپریالیستی رسواتر از آن بود که بتواند جلوی رشد مبارزات مردم را بگیرد. همزمان با این توطئه ها فشار سیاسی، نظامی و اقتصادی بر کشورهای همسایه رود زیمبا بوه را افزایش داد. بدون حمایت می کردند و جبهه میهن پرستان در مناطق مرزی آنها با یگانهای نظامی پارتیزانی داشت، افزایش یافت. رود زیمبا بوه نسبت به کشورهای زامبیا، موزامبیک حکم اسراشیل نسبت به کشورهای عربی همسایه را داشت. هواپیماهای رود زیمبا بوه آفریقای جنوبی را شامآبدرون این کشورها رخنه کرده و روستاها و یگانهای انقلابیون زیمبا بوه را بمباران میکرد. کشورهای خط مقدم جبهه (موزامبیک و مابیا) از لحاظ اقتصادی نیز دشواریهای زیادی را تحمل می نمودند. این کشورهای تازه استقلال که می بایست سالها در دوران نقاهت ناشی از تسلط استعماری گذشته را بگذرانند، از لحاظ تا مین راه های ترانزیتی برای صدور و ورود کالاهای خود به راه آهن و خطوط ترانزیتی رود زیمبا بوه متکی هستند. رود زیمبا بوه این راهها را بمباران کرد و فشارهای اقتصادی گسترده ای برای این کشورها وارد آورد. آنها دست از حمایت از انقلابیون زیمبا بوه بردارند. این فشارها هر چند تعیین کننده نبود، اما زمینه اتفادسیاستی را که بدان اشاره خواهیم کرد و از سوی جبهه میهن پرستان پذیرفته شد، فراهم نمود.

جبهه میهن پرستان از سوی این کشورها که دیگر با رایین حمایت رانمی توانستند تحمل کنند توشیح و با مجبور به پذیرفتن مذاکره با حکومت رود زیمبا رسیدن به سازشی در چارچوب طرح پیشنهادی انگلیس شد. کنفرانس در زمستان سال گذشته در لاندن تشکیل شد که در آن بریتانیا (به عنوان کشوری که "قانوناً" ماحت مستغمر رود زیمبا بوه) و یان اسمیت و موزوروا و سران جبهه میهن پرستان شرکت نمودند. طبق طرح توافق شده، انتخاباتی با بصورت می گرفت و قدرت سیاسی از طریق مسالمت آمیز به سیاهپوستان منتقل می شد.

این طرح به اده شد و برت موگا به رهبریزانوکه از انکومو همکار قدیمی اش در جبهه میهن پرستان بنحو چشمگیری رای بیشتر آورده بود، نخست وزیر زیمبا بوه گردید و پس از یک سال استقلال زیمبا بوه را اعلام نمود.

بقیه از صفحه ۱

گزارشی از ...

میدان انقلاب برآه افتاد. در پیشاپیش صف راه -  
بیمایان ستاره سرخی از گلهای آتشین به نشانه  
زنده بودن و ادامه داشتن با دوراه شهدای آرمان  
طبقه کارگر و پیروزی حتمی سوسیالیسم جلوه خاصی  
داشت. راهپیمایان در شعارهای خودخواسته‌های بحق  
کارگران، ضرورت وحدت و مبارزه طبقه کارگر و زحمت  
کشان را فریاد می زدند:

"تخص، اعتماد، سلاح کارگر علیه سرمایه دار"  
"۱۱ اردیبهشت، روز نبرد کارگر، علیه سرمایه دار"  
در بسیاری نقاط مردم شعارها را تکرار کرده و  
با به صف نظر هر کنگدگان می پیوستند. کوشش عناصر  
ضدانقلاب و اجیر شده برای بسیج مردم علیه راه -  
بیمایان، عقیم مانده و بیج زده کمی از عناصر آگاه  
به افراد فاشیست و مصلحت طلب شدند. چرا که مردم خود شعارها و  
فریادها را بر علیه آمریکا و سرمایه داری وابسته  
می شنیدند و ما هیت مهاجمین برایشان روشن میشد.  
شعارها را از واقعیات و امیال مبارزه توده ها سخن می -  
گفتند: "فقر، استثمار، درقا نون اساسی،  
همچنان با برجاست" - "مرگ بر آمریکا، مرگ بر  
ارتجاع" - "خلق ما میرزمد، آمریکا می لزد" - و  
"فلسطین، فلسطین، متحد خلق ما".

شعارها و فریادها ضدانقلاب را افشا میکرد و صف  
انقلاب را مشخص می نمود:

"کارگر، زحمتکش، دشمن امپریالیسم" - سرمایه دار  
مرتجع، نوکرو امپریالیسم" - "سازش با آمریکا،  
بهرنجو و بهر شکل افشا با بدگردد" - "بنی صدر  
بنی صدر، هدیه توبه مردم، کشتار در کردستان، سرکوب  
در دانشگاه" - "زحمتکشان دنیا، متحد خلق ما علیه  
امپریالیسم" - "کارگر، کارگر، سرمایه دار زور از  
شده، سرمایه دار حق تو را بریده" و "آوای هزاران  
نفر را در حالی نشان میداد:

"امپریالیسم خونخوار، این دشمن تبهکار، تا نبود  
با بدگردد" - "چاره نخبیران وحدت و تشکیلات است"،  
"کارگر پیروز است، سرمایه دار تا نبود است".

آری مردم خود این ها را می شنیدند و حرکات  
بیمارگونه عناصر فاشیست را توانست آنان را بر  
علیه این فریادها بسیج کند. چند روز زحمتکش  
می گفتند: خوب، کمونیست باشند چه عیبی دارد،  
بنی صدر اگر راست میگوید این حرفها را که میگویند  
عمل کند، اینها که حرفهای بدی نیست ...

و راهپیمایی ادامه داشت. جمعیت با شعار،  
پلاکارد و سرود روز ۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، روز  
جهانی کارگران را گرامی داشت و با خواندن قطعنامه  
- ای به راهپیمایی خاتمه داد. در این قطعنامه ضمن  
انتار به تبارخچه این روز بزرگ و تجلیل از طبقه  
کارگر جهانی و بویژه نقش طبقه کارگر ایران در  
اعضای دیکراتیک ایران از جمله آمده است:

"اما اینکه پس از این توده زقیما پیروز منند  
حلقهای ایران، هنوز کارگران مادرمان شرابیط  
اگر سارو یکسب آفرین گذشته زندگی میکنند، هنوز  
سطح سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که اساس  
ظلم و ستم و استثمار سرمایه داری است با برجاست و  
مهور و اسیر آرمای متری کار، ما به شوم خود را بر  
کارخانه های میهن ما گسترده است. بنیکاری و گران  
سداد سکندوردیگی کارگران و زحمتکشان میهن ما  
را مکلر مسارد. کودکان خود سال را در کارخانه ها  
و کارگاهها اسما را مکلر و دران کارگر را اسما

بقیه از صفحه ۱

دانشگاه ...

انقلاب و رهبری حزب جمهوری اسلامی بخوبی می -  
دانند که تنها جو پورش به دانشگاه برای این سازمان -  
تدهی شده بود که در ضمن رژیم بتواند پورش وحشیانه  
ارتش و پاسداران سرمایه به کردستان قهرمان را  
بطور کامل به مرحله اجرا درآورد و دانشگاه این دژ  
مستحکم آزادی را برای همیشه بچنگ آورد، آنها  
کاملا واقفند که این پاسداران بودند که بسوی  
صف مقاومت دانشجویان تیراندازی کردند. اینهمه  
شهید و زخمی گواه این امر است. چرا که اگر از درون  
دانشگاه و از طرف دانشجویان اقدام به تیراندازی  
شده بود قاعدتا باید پاسداران با چاقو بدستی تیر می -  
خوردند تا بحال حتی یک نمونه هم دیده نشده است.  
کمیته مرکزی "اطلاعیه" سر تا پا دروغ و جعل صادر  
می کنند. هیئت حاکمه و حزب جمهوری اسلامی را تطهیر  
کند. مهدوی کشتی پورش مشتی مزدور و چاقو حزاب  
جمهوری اسلامی به صفوف استوار دانشجویان را  
"درگیری بین مردم خشمگین و گروههای سیاسی"  
قلعه آدمی کند. خاتمه ای هم این مطلب را بگونه ای  
دیگر تکرار می کند. خاتمه ای می گوید: "گرفتاری -  
های بیشتر این فرصت را نداده بود که این درد بزرگ  
اساسی را علاج کنند "یعنی" انقلاب فرهنگی" راه  
ببندازند و خاتمه ای کند "شورای انقلاب تصمیم  
گرفت که دانشگاهها را بعنوان مقدمه از گروههای  
مخرب و مفیده انگیز پاک کنند "یعنی پورش و تهاجم  
به اهداف ترگروههای سیاسی در دانشگاه، ضرب و شتم  
و دستگیری و کشتار دانشجویان انقلابی از دیده هیئت  
حاکمه عبارتست از آغاز "انقلاب فرهنگی".

میدم قهرمان میهن ما در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، در تظاهرات  
اتوبوس رانی، در تظاهرات شب هفت و چهلم تخیلی  
در زمان وقوع سیل ها و زلزله ها و در ۱۳ آبان هسا  
دیده اند که دانشگاهها از قاطعترین سنگرهای دفاع  
از خلق می باشند و نیز در روزهای اول و دوم اردیبهشت  
۱۳۵۹ دیدند که چگونه پاسداران این سنگر خونین  
انقلاب را زیر آتش تیرباران قرار دادند و تعدادی از

شرابیطی پست تربکار می کشند، هر روز، دهها کارگر در  
چهار گوشه ایران بخاطر نبودن وسایل ایمنی کار  
کشته میشوند و خانواده ها شان آوار شهرها و خیابانها  
میگردند. هنوز کارگران ما خانه ندارند و در بیفوله -  
ها زندگی میکنند و هنوز حتی خواست چندین ساله  
کارگران برای چهل ساعت کار در هفته به هیچ  
گرفته میشود.

قطعنامه با افشای توطئه های رژیم در رابطه با  
سرکوب خلق کرد و کشتار در دانشگاهها  
و ... و محکوم کردن این جنایات اعلام میدارد که:  
۱ - تنها جمنا می آمریکا را برخاک میهنمان شدیداً  
محکوم می کنیم.  
۲ - بمب گذاریهای اخیر در اماکن عمومی را که  
توسط عوامل مزدور و در جهت کشتار و ایجاد وحشت در  
میان مردم صورت گرفته اقدامی ضد خلقی دانسته و  
آنرا شدیداً محکوم می کنیم.

۳ - با خاک یکسان نمودن شهرهای کردستان و قتل  
عام خلق کرد را با فاشیسمهای آمریکا شایسته  
سرکوب انقلاب و متحرف کردن مبارزات فدائیمبریا -  
لیستی خلقهای میهنمان می دانیم و قاطعانه محکوم  
می کنیم.  
۴ - کشتار دانشجویان انقلابی و تلاش برای خاموش  
ساختن سنگر آزادی را که در جهت سرکوب مبارزات

فرزندان انقلابی خلق را بشهادت رساندند. خاتمه -  
ای با وقاحت تمام می گوید که: "سنگر را در مقابل  
ملت مسلمان بستند" و "از این مردم کشتند و مجروح  
کردند". او عوام فریبانه برای اثبات این ادعای  
دروغین خود تلاش می کند اما مردم مبارز ما به بیمار -  
ستانها شتافتند تا به زخمی ها خون برسانند و دیدند  
که چه کسانی بوسیله چه گلوله های در خون خویش  
خفته اند. آری آنان دانشجویان انقلابی بودند.

خاتمه ای می گوید: "در کردستان عوام مسل  
آمریکا نوعی رفتار می کنند و در دانشگاهها و مبارزان  
نوعی عمل می کنند و در همه محیطها و قشرهای اجتماعی  
عوامل دشمن عمل می کند". او مزورانه از گفتن  
این خودداری می کند که چه وجه تشابهی بین نحوه  
عملکرد آمریکا در کردستان و دانشگاهها وجود دارد او  
بنهان می کند که این خود هیئت حاکمه است که سیاست  
آمریکائی اجرا می کند و آن سیاست سرکوب و پورش  
فاشیستی به مدد ارتش ضد خلقی و پاسداران است که  
با مسلطهای آمریکا و اسرائیلی به خلق ترکمن  
پورش می برند، کردستان را بتوپ می بندند، کار -  
گران بیکار را در اندیمشک، ما شهر، درود، امپهان  
را به مسلسل می بندند، و در دانشگاهها را سراسر  
ایران به بهانه "آغاز انقلاب فرهنگی" کشتار می -  
کنند. بلکه، هیئت حاکمه در دانشگاهها کشتار می کند  
تا فریادها را ساکت نماندند که به مردم بگویند چه  
عواملی بنفع امپریالیسم خلق کرد را کشتار می -  
کنند. آنها می دانند که دانشگاهها چشمه جوشان آزادی  
و آگاهی است و به همین علت است که خاتمه ای فریاد  
می زند: دانشگاهها باید "مقام امن"، "حجره امن  
خبردهی" (البته برای ارتجاع) باقی بمانند. ولی  
ارتجاع کوراست. در طول دهها سال زندگی  
غلیج غم پورش های چکمه پوشان محمد فریادها و بانک  
پاسداران و چماق داران رژیم جمهوری اسلامی،  
دانشگاهها همواره بعنوان سنگر آزادی، محکم و استوار  
پا برجای مانده و خواهد ماند تا فریادها و مبارزه -  
جویانه خلقهای زحمتکش میهن ما باشد ■

فدائیمبریا لیستی و فدائیمبریا به داری وابسته توده هاست  
قاطعانه محکوم می کنیم.

۵ - کشتار کارگران بیکار و دردم کوبیدن شورا های  
واقعی کارگری تلاشی است در جهت سرکوب جنبش  
کارگری ایران. ما اعلام میداریم که دفاع از شورا های  
واقعی، دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان  
میهن ما علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است  
۶ - کارگران ایران خواستار ۴۰ ساعت کار در هفته  
و تدوین قانون انقلابی کار توسط شورا های واقعی  
کارگری هستند؟

۷ - کودکان کارگر بچگی را می نباید تحصیل کنند و  
زنان کارگر باید از شرایطی مساوی با مردان  
برخوردا شوند.

۸ - ما دولت را عامل اصلی گران و بیکاری و کمبود  
مسکن می دانیم. هیئت حاکمه از آنجا شیکه در جهت  
بازسازی نظام سرمایه داری وابسته است نمیتواند  
گران و بیکاری و ... را از میان ببرد. ما اقدامات  
آن را در جهت فشار اقتصادی به کارگران و زحمتکشان  
محکوم می کنیم.

۹ - ما در این روز همبستگی خود را با کارگران  
سراسر جهان اعلام کرده و تا نبودی کامل سرمایه -  
داری و محور گونه ستم و استثمار، مبارزات خود را  
ادامه خواهیم داد ■

مناسبت صد و دهمین سالگرد تولد لنین (۲۲ آوریل - دوم اردیبهشت)

### لنین و پیکار تاریخی اش علیه رویزیونیسم (۳)

هما نظور که در مباحث قبلی بیان شد، لنین رویزیونیسم را بحثاً به یک جریان بورژوازی و بسا "سوسیالیسم بورژوازی" ارزیابی می کند و رویزیونیستها را بورژوازی ها می داند که لنین در فرمیستی به تن کرده اند معرفی می نماید، او مطرح می کند که رویزیونیستها و پورتونیستها حا ملین ایدئولوژی بورژوازی و امپریالیستی در درون جنبش کارگری می باشند و زمانی که جنبش کارگری خود را از رویزیونیسم رها نماند یک جنبش بورژوازی باقی خواهد ماند. این آموزش ضد رویزیونیستی اساس لنینیسم می باشد.

لنین می داند که ایجا دانترا سؤنال نوین، ایجا د حزب مستقل طبقه کارگر و ایجا دیک جنبش کارگری سوسیالیستی فقط از طریق مرز بندی همه - جانبه سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی با دشمنان رنگارنگ طبقه کارگر و انواع ایدئولوژیهای ضد پرولتاریائی میسر است. او می داند اگر طبقه کارگر ملحق به اندیشه علمی و طبقاتی خود نباشد، اگر طبقه کارگر دارای مشی و تشکل کمونیستی خود نباشد سرنگونی سرمایه داری، تحقق دیکتاتور پرولتاریائی و ساختن سوسیالیسم میسر نخواهد بود. زیرا هنگامیکه سوسیالیسم ایدئولوژیک رویزیونیستی این طبقه انقلابی را احاطه نماید، انقلاب جهت و زگونی بورژوازی و استقرار قدرت پرولتاریائی امکان نخواهد داشت.

لنینیسم بما می آموزد که "سوسیالیسم بورژوازی" در پی الفای مناسبات تولیدی بورژوازی و در پی الفای روابط مستحکمانه بین سرمایه و کارمزدوری نمی باشد. "سوسیالیسم بورژوازی" در پی آنست تا شرایط حیات و بقا، جامعه سرمایه داری را تا میمن نموده و پیوسته به فدیت با عواملی که شیرازه جامعه کهن را از هم می پاشد بیلند و به همین خاطر "سوسیالیسم بورژوازی" با رویزیونیسم قمار است بورژوازی را سرنگون کند و ما هیئت توانائی ساختمان سو - سیالیسم و هدایت جامعه بسوی کمونیسم را دارد.

#### رویزیونیسم در کردار

نگاهی به سیاست و عملکرد رویزیونیستها و اپور - تونیستها بروشنی ما هیئت بورژوازی رویزیونیسم را مشخص می سازد و نشان می دهد که رویزیونیستها چگونه به خدمتگزاری بورژوازی و ضدیت با پرولتاریا اقدام می نمایند:

● کاشوتسکی در باره دولت و انقلاب می گفت: "هدف مبارزه سیاسی ما هم در این ضمن همانطور که تا کنون بوده، مبارت خواهد بود از به گف آوردن قدرت دولتی از راه تحمیل اکثریت در پرتالمان و تبدیل پارلمان به نیروی مسلط بر حکومت".

اومی گفت: "در چارچوب یک دموکراسی بورژوازی دیگر مبارزه مسلحانه برای حل و فصل تضاد مناسبات طبقاتی جایی نخواهد داشت." (درک ماتریالیستی تاریخ) پرواضح است که مشی سازش طبقاتی و استنکاف از مبارزه طبقاتی نمی تواند در سوسیالیسم برود.

مشی ای که پارلمان بورژوازی را راه نجات طبقه کارگر بحساب می آورد، مشی ای که به ستایش از دموکراسی بورژوازی و در حقیقت سلطه سرمایه می - پردازد، مشی ای که طبقه کارگر را از تصرف قهرآمیز قدرت سیاسی منصرف ساخته و در هم شکستن دستگاه دولتی سرمایه داری و تحقق انقلاب اجتماعی رانگی می کند، آری چنین مشی ای هرگز نمی تواند در راه آرمان پرولتاریائی به پیش رود.

رویزیونیستها صحبت از تصرف قدرت سیاسی می - کنند، ولی عملاً این مسئله را که "دولت محمول آشتی ناپذیری تضادهای طبقاتی است" (لنین) و بنا بر این با بد بطور جبری و قهری سرنگون شود را بدست فراموشی می سپارند، آنان این آموزش اساسی مارکسیستی را بدست فراموشی می سپارند که میگوید: "اندیشه مارکس عبارت از اینست که طبقه کارگر باید ما شین دولتی حاضر و آماده را خرد کند و در هم بشکند، نه اینکه به تصرف ساده آن اکتفا ورزد." (لنین، دولت و انقلاب)

آنان بجای انقلاب، مبلغ زرق و افلاحت در چهار چوب مناسبات سرمایه داری می باشند. ● کاشوتسکی در باره امپریالیسم می گفت: "تقابل سرمایه به بسط و توسعه" بهتر از هر چیز به وسیله دموکراسی منالمت آمیز ممکن است عملی گردند و به وسیله شیوه های قهری امیر - پالیستی " (دولت ملی، دولت امپریالیستی و اتحاد دولتها).

او اضافه می کرد: "آیا سیاست امپریالیستی کنونی ممکن نیست بوسیله سیاستی جدید یعنی سیاست اولتیماتوم امپریالیستی که استعمار مشترک جهان را از طریق یک سرمایه مالی که در مقیاس بین - المللی متحد شده، جایگزین مبارزه بین سرمایه های مالی ملی بنماید، از صحنه بدرشود؟"

پرواضح است مشی ای که سیاست امپریالیسم را از اقتصادان جدا می کند، مشی ای که تضاد و اقتصاد و مستحکمی امپریالیستی را ذاتی امپریالیسم بشمار نمی آورد، مشی ای که تناقضات درونی امپریالیسم را پنهان می کند و در عرصه امپریالیسم برقراری صلح "از طریق یک سرمایه مالی در مقیاس بین المللی متحد شده" را نوید می دهد و با نتیجه ناگزیری جنگ امپریالیستی رانگی می کند، مشی ای که بر اساس این ارزیابی اقتصادی از ما هیئت امپریالیسم و طرح تئوری ارتجاعی "امپریالیسم بدون شیوه قهری"، انقلاب پرولتاری و برقراری سوسیالیسم رانگی کرده و یک راه حل رفترمیستی ارائه می دهد. بلکه، چنین مشی ای هرگز نمی تواند پرولتاریائی در آستانه انقلاب پرولتاری را به تصرف قدرت سیاسی راهبری کند.

● اپورتونیستها و سوسیال شوینیستها در قبال جنگ امپریالیستی چه گفتند؟ آنها در زمانی که جنگ امپریالیستی فرا رسیده و در عین حال شرایط مساعدی جهت انقلاب فراهم شده بود، آشکارا به حمایت از بورژوازی خود بیلند می شوند. در چنین شرایطی تا کتیک انقلابی پرولتاریا چه بود؟ لنین می گفت:

"هرگونه جنگی از طرف بورژوازی این کشورها

فقط میتواند جنگ ارتجاعی باشد. پرولتاریا نه تنها باید با هر نوع جنگی از این قبیل - ضدیت ورزد، بلکه باید خواهان ارتکاب دولت "خود" در چنین جنگها بی باشد و چنانچه قیام بمنظور جلوگیری از جنگ به موفقیت نیانجامد از این شکست برای قیام انقلابی استفاده نماید". (برنا به جنگی انقلاب پرولتاریائی) ولی در همین زمان اپورتونیستها و سوسیال - خاشنین تحت عنوان "دفاع از زمین" به حمایت از جنگ امپریالیستی و اهداف غارتگرانه آن بیلند شده، به اعتبارات جنگی بورژوازی رای داده و حتی به وزیران جنا یترک دولت بورژوازی تبدیل می - شوند. روشن است مشی ای که "حق" این یا آن قدرت امپریالیستی می دانند ملت را غارت و چپاول کند مشی پرولتاریا نبوده بلکه مشی امپریالیستی میباشد.

● رویزیونیستها در قبال ملل تحت ستار امپریالیسم چه موضعی اتخاذ نمودند؟ آنان به توجیه سیاست مستعمراتی و تجار و زکرا نه امپریالیستها پرداخته و بوغ اسارت و بردگی فلیونیها توده زجمتکش مستعمرات را تا شهید می نمودند. ارتداد رویزیونیستها آنچنان بعد پیدا می کند که آنان صحبت از "سیاست استعماری سوسیالیستی" نموده و عملاً به کارگران بورژوازی امپریالیستی در انقیاد ملل تحت ستار تبدیل می - شوند. آنان سیاست خود را در این زمینه چنین تعیین می کنند:

"کنگره در اصول و در هر زمان هر سیاست استعماری را مردود نمی داند، چه تحت یک رژیم سوسیالیستی می تواند دارای نفوذ فتنه دانه ای باشد."

(بقل از نوشته لنین: "کنگره سوسیالیستی بین الملل در اشتوتگارت")

زمانی که پرچم لنینیسم بشارت دهنده آزادی پرولتاریا و خلقهای تحت ستار جهان بود، اپورتو - نیسم در پی تشبیه ستار امپریالیستی در مستعمرات بود. زمانی که لنینیسم با نگر استین انترناسیو - نالیسم پرولتاری بود، رویزیونیسم تحت عنوان "سیاست استعماری سوسیالیستی" و "گسترش تمدن" طناب انقیاد توده های ستمدیده جهان را مستحکمتر می نمود.

#### چه کسانی سوسیالیست امپریالیست بودند

به این ترتیب متوجه می شویم که چگونه سوسیالی - شوینیستها یا همان رویزیونیستها تحت عنوان جانبداری از طبقه کارگر به سازش و ماساها تا با قدرت سرمایه پرداخته و چگونه به پرولتاریا خیانت می - ورزیدند. آنان در گفتار از ما رکن سوسیالیسم حمایت می کردند و از راهی طبقه کارگر می زدند، ولی در عمل و کردار سیاسی - اجتماعی شان به بورژوازی امپریالیستی مدد می رسانند. آنان از سوسیالیسم و تصرف قدرت خرف می زدند، ولی در کردار در برابر دموکراسی بورژوازی و پارلمان تار - یسم گنبدیده سرمایه داری گرویش نموده و از زهر و تربیت انقلابی توده ها جهت سرنگونی قهرآمیز سلطه سرمایه خودداری می کردند. آنان از سوسیالیسم حرف می زدند، ولی در عمل تئوری انقلاب و روی آوردن به عملیات انقلابی و مستقیم علیه بورژوازی را بدست فراموشی سپرده بودند. آنان حمایت از کارگران را مطرح می ساختند، ولی در همان زمان تحا و زحک امپریالیستی را تا شید کرده و فرمان کشتار ملبس - ها کارگر توسط جلادان سرمایه را امضاء می نمودند.

دیگریکا را خود را علیه رویزیونیسم گسترش بخشیم .  
کرایش قوی و شدت یافته رویزیونیستی سازمان  
چریکهای فدائی خلق و انحراف رویزیونیستی "راه  
کارگر" برای تمام کمونیستهای ایران زنگ خطری است .  
آری رفقا ، باید رهنمودهای لنین را چراغ  
راهنمای خود ساخته و پیگیرانه در راه آرمان پرو -  
لنن را به پیش رفت ، باید هر چه ظرفیت کمونیسم  
را به پوسته درازنگاه داریم و همیشه و همیشه در یاد  
داشته باشیم که " نشان کمونیسم را ستین ، قطع رابطه  
با اپورتونیسم است " (لنین ؛ سخنرانی در دفاع  
از تاکتیکیهای انترناسیونال کمونیستی ) .  
آری رفقا ، باید بکوشیم تا شاگردان راستین  
لنین کبیر باشیم ■

بقیه از صفحه ۷ پاسخی به ...

سپاه را برای سرکوب نیروهای انقلابی بسیج  
نموندند ، هیچ موقع ارتش را برای سرکوب خلـق  
بکار نگرفتند ، مطلقاً قلب پرطش دهها دانشجوی  
مبارزه و مبارزین را تحت پوشش انقلاب فرهنگی  
از حرکت و فعالیت بازداشتند ... اما می بینیم  
که عملکرد جمهوری اسلامی ایران چیز دیگری بوده و  
حکایت از خط مشی و اهداف دیگری دارد . بنا بر این  
سفسطه نکنید و حقایق را وارونه جلوه ندهید و مردم  
را تعمیق ننمائید ، البته وقتی شما توطئه های رژیم  
حاکم را برای بسیج ارتش در جهت سرکوب خلق قهرمان  
کرده اید ، منظور رژیم می خواهد مبارزه با رژیم عراق  
و نمودنی کنید و در عوض دفاع خلق کرد را از موجودیت  
خود که وحشیانه مورد تجاوز قرار گرفته است کمک به  
حکومت فاشیستی عراق تلقی می نماید ، از شما  
انتظاری جز این نیست که برای بی اعتبار کردن  
نیروهای انقلابی آنها را با خوب توده زمان مصدق  
مقایسه کنید و در عوض برای اعتبار بخشیدن به  
حکومت فعلی ایران ، آنرا از کنار رژیم های ملی  
مصدق و آئنده قرار دهید . اما اگر شما نمی خواهید  
رابطه با این مسائل بدیهی روشن حقایق را با زگو  
کنید ، بلاشک تاریخ شما را از "اشتباه" در خواهد آورد .  
در پایان لازم می دانیم متذکر شویم این نوشته مشتمل  
بر یک پاسخ همه جا تهیه کلیه آنهاست و حاصلات  
مطروح در مقابل منبوره ما سایر نیروهای انقلابی  
نبود ولی برای خودداری از اطلاعات مقاله بهمین  
مقدار بسنده شد .

بقیه از صفحه ۱۱ اخبار ...

کارگران به از سر گرفتن کار و تحمیل پیشنهادات ناچیز  
بر آنان می باشد ، ولی هزاران فلزکار برزلیسی  
علیرغم این اقدامات ژنرالهای فاشیست سرخستا نه  
مبارزه خود را ادامه می دهند و آنرا تا رسیدن به  
خواستهای برحق خود بی میگیرند . ۴۰/۰۰۰ فلزکار  
اخیراً در جلسه ای تصمیم گرفتند مبارزه خود را تا  
برآورده شدن خواستهای خود با نیروی دهها بار  
بیشتر علیه مستواستمار و وحشیانه سرمایه داری  
پیش برند .

جنبش اعتراضی فلزکاران برزیل ازدوا زدهم  
فروردین ماه آغاز شده است . دیکتاتور نظامی و  
دستگاه پلیسی وی نمی توانند زبشروی خلـق  
زحمتکش برزیل که بسیج شده است تا با عملیات  
اعتراضی و انقلابی قدرت ارتجاعی را سرنگون سازد ،  
جلوگیری نماید . همچنین ۱۲ هزار بارانداز "بندر  
سانتور" در "ساووپولو" اعتصاب بزرگی را برای  
دفاع از حقوق خود سازمان داده اند ■

برای اینکه بتوان شرایط شکست سرما به را فراهم  
نمود ، باید این دمل چرکین را نابود ساخت .

کسانی که ما هیت طبقه رویزیونیسم را در -  
نیا بند ، کسانی که ما هیت مشی سوسیال امپریالیستها  
را درک نکنند ، نمی توانند بطور پیگیرانه به آخر  
علیه بورژوازی بکنند زیرا خود هنوز در چهار چوب  
فکری بورژوازی حرکت می کنند . رویزیونیسم همیشه  
با نفی آشکار اصول مارکسیستی مترادف نیست . به  
همین دلیل باید جوهر و اشکال پیچیده ایدئولوژی  
بورژوازی را شناخت ، باید درک کرده که مشی سوسیال  
امپریالیستی جزیک مشی بورژوازی و ضد انقلابی  
چیز دیگری نیست ، باید درک کرده که مشی رویزیونیستی  
دشمن سرخست جنبش کارگری است ، باید درک کرد که  
رویزیونیستها کارگزاران مستقیم سرمایه داری ،  
تخریب کننده استقلال پرولتاریا و تضمین کننده  
حاکمیت بورژوازی می باشند ، بدون مرزبندی  
تئوریک و عملی با رویزیونیسم شکست جنبش کارگری -  
کمونیستی حتمی است ، لنین می نویسد :

"یکی از شرایط لازم برای آماده ساختن پرولتاریا  
برای پیرویش مبارزه ای طولانی سرخست  
و بیرحم بر علیه اپورتونیسم ، فرمیس ، سوسیال  
شونینسم و نفوذ گرایشات مشابه بورژوازی که  
اجتناب ناپذیرند ، زیرا پرولتاریا در یک محیط  
سرمایه داری زیست می کند ، اگر چنین مبارزه ای  
نباشد ، اگر اپورتونیسم در جنبش طبقه کارگر  
کاملاً شکست نخورد ، دیکتاتوری پرولتاریا  
نمی تواند بوجود آید ، بلشویسم در سال ۱۹۱۹ -  
۱۹۱۷ نمی توانست بورژوازی را شکست بدهد  
اگر قبل از آن در سالهای ۱۹۱۷ - ۱۹۰۶ یاد  
نگرفته بود که منشویکها را یعنی اپورتونیستها ،  
فرمیستها ، سوسیال - شونینستها را شکست  
دهد و آنها را برحماً نه از حزب پیش ، قرار اول  
پرولتاریائی اخراج کند " .

(انتخابات مجلس موسان و دیکتاتوری پرولتاریا)  
مبارزه سرخست و طولانی نه تنها تضمین کنند ه  
یا کیزگی و استحکام منبر دگرا علیه سرمایه است ، بلکه  
همچنین ضامن مبارزه واقعی و خلل ناپذیر علیه  
امپریالیسم است ، پرولتاریا و توده های که در اسارت  
ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی و امپریالیستی  
قرار دارند ، چگونه می توانند علیه سرمایه داری  
گندیده مبارزه کنند ؟ مبارزه پیگیرانه امپریالیستی ،  
نیاز به یک مشی و ایدئولوژی ضد سرمایه داری دارد ،  
حال آنچه ما می دانیم رویزیونیسم یک جریان بور -  
ژوازی است بهمین لحاظ بود که لنین مطرح میکرد :

"اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور لاینفکی با  
مبارزه علیه اپورتونیسم توأم نباشد ، جز  
عبارت پردازی پوچ و دروغ چیزی نخواهد بود " .  
(امپریالیسم به آخرین مرحله سرمایه داری)  
آری رفقا ، پیکارا انقلابی ضد رویزیونیستی را  
هرگز فراموش نکنیم ، زیرا مبارزه آشتی ناپذیر ضد  
رویزیونیستی معیار اساسی امالت هر شکل کمو -  
نیستی است ، ما باید از آموزشهای لنینیسم بیاموزیم  
و آموخته های خویش را سرخستا نه بکار بگیریم ، پیشبرد  
مبارزه ضد رویزیونیستی وظیفه اساسی و همیشگی  
ماست ، و بخصوص امروز که با درویزیونیسم به  
خطر عمده ای که جنبش کمونیستی ایران را تهدید  
می کند ما می توانیم نشانهای آنرا در انحرافات  
رویزیونیستی متعددی که یکسری از تشکلات مارکسیست  
را فرا گرفته است مشاهده نمائیم با بدبیش از هر زمان

در یک کلام رویزیونیستها و سوسیال - شونینستها در  
گفتار از سوسیالیسم حرف می زنند ، اما در کردار دامیر -  
بالیستی عمل می کردند ، بهمین خاطر لنین در باره  
اپورتونیستها می فرمود :

"بیشتر ایان حزب کمونیستی به اصطلاح "سوسیال -  
دموکرات" آلمان بحق و بجا به "سوسیال -  
امپریالیست" یعنی سوسیالیست در گفتار و  
امپریالیست در کردار ملقب شده اند " .

(امپریالیسم به آخرین مرحله سرمایه داری)  
لنینیسم هر چه شکست ناپذیر مبارزه انقلابی  
پرولتاریاست ، لنینیسم برای پیروزی قطعی کاربر  
سرمایه می جنگد و در این راه به تمام دشمنان طبقه  
کارگر اعلام جنگ می کند ، پیکارا لنینیسم در جنبش  
کارگری متوجه رویزیونیسم ضد انقلابی بورژوازی  
می باشد ، چرا که تا مین و حفظ استقلال سیاسی -  
ایدئولوژیک و تشکیلاتی پرولتاریا که پیش شرط  
پیروزی کاربر سرمایه است ، با این پیکارا ضد رویزی -  
ونیستی عین می باشد ، بقول لنین :

"اپورتونیسم و سوسیال - شونینسم یک مضمون  
سیاسی - ایدئولوژیک دارند ؛ همکاری طبقاتی  
بجای مبارزه طبقاتی ، چشم پوشی از شیوه های  
انقلابی مبارزه ، باری کردن حکومت کشاور  
"خود" در موقعیت پریشانی بجای بهره برداری  
از این پریشانی برای پیشبرد انقلاب " و به  
همین خاطر هیچ مارکسیستی تا کنون تردید  
نداشته است که اپورتونیسم بیان سیاستهای  
بورژوازی در جنبش کارگری " است ،  
(سوسیالیسم و جنگ )

لنینیسم می آموزد که رویزیونیسم و "اپورتونیسم  
دشمن اصلی ماست" و بنا بر این چگونه می توان با  
دشمن اصلی در یک جبهه باقی ماند و چگونه می توان  
با دشمن اصلی جنبش طبقه کارگر در یک حزب همزیستی  
داشت ؟ پرولتاریا با بورژوازی سرآشتی نمیتواند  
داشته باشد ، بهمین منظور با بد بطور مستمر مفسوف  
ایدئولوژیک و سازمانی پرولتاریا را از زاندا دور -  
ژوازی پاک کرد ، زیرا پیروزی در مبارزه طبقاتی  
علیه سرمایه و پیشروی در راه کمونیسم تنها از راه  
پیکارا ضد رویزیونیستی می گذرد ، در همین ارتباط  
بود که لنین می گفت :

"با داشتن فرمیستها و منشویکها در صفوف خود ،  
فتح در انقلاب پرولتاریا غیر ممکن و نگا هاری  
آن محال می باشد " .

ورفیق استالین اضافه می کند :

"هرگاه حزب ما نتوانست یگانگی داخلی و  
پیوستگی بی نظیری را ، که در صفوف وی وجود  
دارد ، ایجاد کند ، علت آن مقدم بر همه این بود  
که بموقع خود را از لوث اپورتونیسم میسرا  
ساخت و انحلال طلبان و منشویکها را از داخل  
خود بیرون ریخت ، راه رشد استواری احزاب  
پرولتاری عبارت است از تمفیة آنها -  
اپورتونیستها و فرمیستها ، سوسیال امپریا -  
لیستها و سوسیال شونینستها ، سوسیال میهن -  
پرستها و سوسیال - پاسیفیستها ، استحکام  
حزب وابسته به تمفیة آن از عناصر اپورتونیست  
است " . (تاریخچه حزب بلشویک ، تاکیدات از ما ست)  
با رویزیونیسم نمی توان همزیستی داشت زیرا  
رویزیونیسم دمل چرکین بورژوازی است ، بنا بر این  
برای سلامت و شکوفائی جنبش کارگری و کمونیستی ،



# خبر کوتاه بود: اعدا دشمن کردند

قارنا وگانی ما سپیدوقه لاتان و اندیمشک و دورود و انگاه تهران و... یکی پس از دیگری تکرار می - شود و جوبه های دارا علیه نیروهای انقلابی و کمو - نیست برمی افزایند. آری دشمنان خلق آزادی خود را دارا سارت خلق یافته اند. سخن کمونیست انقلابی بزرگ رفیق هوشی مین را بیا ددا ریم که :

"بین ما و امپریالیستها دره ای عمیق وجود دارد که باید با خاکستر کمونیستها پر شود."  
خلقهای ما به دشمنان خود که از اسلافشان پسند نگرفته اند درسهای تلخی خواهند داد، این حکم تاریخ است.  
ما زمان بیکا زدر را آزادی طبقه کارگر

۵۹/۲/۱۲ اعلامیه شماره ۸۲



انقلابیون و مدافعین سرسخت زحمتکشان بکار برده شده است؟ و کیست که نداند شکنجه و زندان و اعدام بی هیچ روقا در نیست کمونیستها را از افشای حقایق و فداکاری در راه سعادت بشرمانع شود؟  
اخبار رسیده حاکی است که از سوی به اصطلاح دادگاه انقلاب، عکس ۶ نفر (منجمله دور رفیق شهید) بخش شده است و آنان را بدروغ مسبب حوادث دانشگاه اهو ز قلمداد کرده اند، در صورتیکه همگان میدانند که کشتار دانشگاه اهو از عملکرد رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران و قداره بندهان است.  
آری، ما و کیها آزادند و از به اصطلاح تجاریشان برای بازسازی ساواک جدید (ساواک) و شکنجه گاهها استفاده میشود، ولی، برای خلق کرد و دیگر خلقهای ایران حماسهای خون بخواه می اندازند. جنایات

رفیق دانیالی نیز که دیپلمه بیکار بود و دلش جز در راهها نشی زحمتکشان نمی شنید و هماتند رفیق احمد مؤذن یک کمونیست انقلابی بود، بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی بجرم افکار و آرمانها و فعالیتهای انقلابی اش بشهادت رسید.

بنا بر اطلاعیه "دادگاه انقلاب" جرم (!) این رفیق شرکت در تحمض بیکاران، همدردی با کارگران و زحمتکشان، فعالیت آگاهانه در دانشگاهها و در بین توده های مردم بوده است!

آیا توده های زحمتکشی که پس از دهها سال ستم رژیم منفرورپهلوی پس از سالها استعمار سرمایه داران و زمینداران بزرگ رژیم شاه و اربابان آمریکا شیش شوریدند و ترا سرنگون کردند، فعالیت نیروهای انقلابی در حمایت از حقوق زحمتکشان را "جرم" می شمارند؟ آیا کارگرانی که تحت فشار و کمر شکن هزینه زندگی و گرانی و بی خانمانی و عدم دسترسی به حداقل زندگی بگ انسان، روز و شب در کارخانه ها استعمار می شوند و جان می کنند، حمایت نیروهای انقلابی از حقوق شان و همدردی با آنان را "جرم" می شمارند؟ آیا تلاش در راه آنگاه دانشگاه همچنان سنگرزادی بماند "جرم" است؟

از اینها که بگذریم در کدام دانشگاهها، با حضور کدام هیئت منصفه، با کدام موکیل اینان محاکمه شده اند؟ رژیم جمهوری اسلامی که برای خاشی همچون هویدا ما هم محاکمه ترتیب می دهد، برای کسی ماننند تهرانی جلاد و شکنجه گرساواک ساعتها محاکمه و در اصل نمایش تبلیغاتی راه می اندازند، برای آرزو جنایتکار و خاشی چون شیخ الاسلام زاده چندبار دادگاه تشکیل می دهد و سرانجام از مجازات او در می گذرد و برای جاسوسان آمریکایی بهترین شرایط زندگی را فراهم می نماید، چرا برای نیروهای انقلابی و کمونیست که افتخارات تاریخ با نام و مبارزات آنان گره خورده است و در راه مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم و عمال اش لحظه ای تردید بخود راه نداده اند، اینچنین حکم اعدا ما در میکند؟ کیست نداننده که چنین احکام جنایتکارانه ای که امروز بنام "دادگاههای انقلاب" صادر میشود، بارها در کردستان و ترکمن صحرا و خوزستان و... علیه

## زندگی نامه رفیق شهید احمد مؤذن

رفیق احمد مؤذن در سال ۱۳۳۳ در خانواده ای سنتی و متوسط در شهر دزفول بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۳ با رتبه اول به دانشگاه اهو ز راه یافت. رفیق بدلیل جو مذهبی خانواده و شهرت سال ۵۵ مذهبی و از طرفداران سرسخت دکتورشعری بود. شرکت فعال در مبارزات دانشجویی، رفیق را هر چه بیشتر با مارکسیسم - لنینیسم آشنا نمود بطوریکه در سال ۵۵ ایدئولوژی طبقه کارگر را بعنوان یگانه راهمای نظرمشون زها نشی خلقها و زحمتکشان پذیرفت و بدین ترتیب انرژی انقلابی رفیق آزادتر گشت و ایستاد و باطنش با دانشجویان انقلابی بیشتر شد بطوری که در مبارزات صنفی - سیاسی دانشگاه اهو ز در ردیف فعالترین دانشجویان قرار گرفت. رفیق در طول زندگی مبارزاتی اش چه در دانشگاه و چه در شهر با تلاش خستگی ناپذیر خود سعی در تبلیغ و ترویج در میان نیروهای صادق انقلابی و جذب آنها داشت.

رفیق احمد یکی از فعالین مؤثر در تشکیلات دانشجویان م. ل و گشودن دفتر دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر بود. پس از شروع مبارزات سیاسی - علمی دانشجویان او از جمله کسانی بود که همواره تا ماج حملات عوامل ارتجاع و عمال دولتی بود.

احمد پس از قبول مرز بندی دقیق نیروها در درون دانشجویان مبارز، همواره یکی از مبلغین و مروجین فعال این نقطه نظر بود، بهمین علت یکی از اولین کسانی بود که در تشکیل "دانشجویان اهو دارا زمان بیکار" در اهو ز فعالانه شرکت داشت و در

کرامی باد یادشدهای بخون خفته خلق ۵۹/۲/۱۲

برخورداری از آگاهی سیاسی - شورویک نسبتا بالا در تهیه و تدوین جزوات و اعلامیه ها و برپا سازی سیاسی دانشجویان اهو دارا زمان نقش بنزاشی داشت، یکی از آثار مبدون و با ارزش رفیق، مقاله ای تحت عنوان "شوراهای دانشجویی و وظایف دانشجویان مارکسیست - لنینیست در قبال آن" میباشد. او سه توده ها و به راه آنان ایمان داشت و در پیوند با زحمتکشان تلاش می نمود. و با چنین درکی بود که در حوزه فعالیت خود یعنی کار در میان دانشجویان - یان و دانش آموزان و با تبلیغ مارکسیسم - لنینیسم در میان زحمتکشان فعالانه وظایف سازمانی خود را انجام می داد. او در بهمن ماه ۵۸ لیسانس خود را در رشته آبیاری (کشاورزی) اخذ نمود و سپس فعالیت خود را بطور سیستماتیک در دانشگاه اهو ز و شهر دزفول ادامه داد. جوانان و دانشجویان انقلابی دزفول همواره چهره جدی اما خندان او را که همیشه او را خرفته با کوله باری از "پیکار" و "آبان" و "۱۶ آذر" و اعلامیه های جدید سازمان به دزفول می آمدند فراموش نخواهند کرد!

### گروگانگیری در سفارت ایران در لندن را محکوم میکنیم!

غدا انقلابیون یعنی حاکم عراق در دادگاه  
توطئه‌های خود برای مخدوش ساختن ولایت کربلا  
سازات خلقی ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع  
با دست زدن به اشغال سفارت ایران در لندن و سبه  
گروگان گرفتن تعدادی از ایرانیان حادثه جدیدی  
بوجود آوردند. جندی است که آنها دوباره ظواهر دفاع  
از خلق عرب ایران و دریا طایف بنمیدند. نحسراف  
کشاندن سازات خلق عرب صحبت از "آزادی عربستان"  
می نماید. درخواست عمل بهت که سفارت ایران را  
اشغال کرده اند این است که بدهای از زندانیان  
در اهواز را از گروگانها آزاد نسود و در همین سبب  
سازات "آزادی عربستان" سحر گشته است.

این عمل تروریستی در سازمان  
می گیرد که سوده‌ها و آگاه مردم ایران سبب در  
اهواز برای آزادی حدود ۸۰۰ دانشجو و هموطن آگاه  
ما مبارزه می‌کند و در زیر سبب ارتجاع و فاساد  
تهدمتها به مبارزین دستگیر شده با شایسته نادر  
را در زندان سبز کبک روتیریا را می‌کشند و بنا بر این  
ملاحظه می‌کنیم که این گونه اعمال تروریستی  
آگاه و نا آگاه هر سببش عراق که در نظر هر سببش  
آزادی برخی دانشجویان صورت می‌گیرد و در واقع  
برای لوث کردن مبارزات مردم ما سبب آزادی و  
نجات دستگیرشدگان از خطر اعدام سبب شد و این همان  
سبب است که رژیم فخری عراق همیشه دنبال میکند.

### پاسخی به سرمقاله کیهان

در سرمقاله آن روزنامه مورخ ۴ اردیبهشت ضمن  
مطرح شدن دیدگاه کیهان نسبت به انقلاب فرهنگی  
اشها ماتی به سازمان ما و دیگر نیروهای انقلابی زده  
شده که لازم می‌دانیم اگر چه به اختصار برای روشن شدن  
اذهان پاسخی بدان اشها ماتی بنگاریم و طبق قانون  
مطبوعات خواستار درج این پاسخ در آن روزنامه  
هستیم.

۱ - گفتاید: "سبب ذهنیکرانی و خیالبا فی  
معجزه کدام عقیده ما لیکولیا شایسته که درگیری های  
میان ایران و عراق را توطئه و زودبید و دولت برای  
سرکوب خلقها اعلام می‌کند؟" ما شما توصیه نمی‌کنیم  
که یکبار دیگر تمسبه شما ره ۴۹ پیکار را بخوانید تا  
در با سید که تنها چیزی که از مقاله مندرج در آن، راجع  
به اختلافات ایران و عراق، استنباط نمیشود همان  
"توطئه مشترک" و "زودبید" دو حکومت برای سرکوب  
خلقها است. ما این توصیه را شما نمی‌کنیم. چرا که  
منافعی که شما دنبال آن هستی مانع از آن خواهد  
تد که معنی کلمات را نیز جز آنچه هست بفهمید. والا  
درک مقاله "اختلافات ایران و عراق": توطئه‌های  
علمه خلقهای دو کشور "کارتاق و بانا مکتبی نبود که  
ادهان غیرمفروض آن عاجز باشد و در با سید که وقتس  
معالده از توطئه هر یک از حکومت های عراق و ایران

### مراسم چهلمین روز شهادت شهدای اندیشمک

روز نهمین ۴ اردیبهشت معاد بود. چهلمین  
روز شهادت شهدای بخون غنچه خلق در اندیشمک  
بهمن منظور مردم اندیشمک در مراسم شهادت اجتماع  
کردند. طاهری روحانی، منفوری که بس از حوادث  
اندیشمک در تلویزیون ظاهر شده و حوادث اندیشمک  
را کارها و کیهن خواننده و مردم اندیشمک را بی فرهنگ  
نا می‌دهد. به منظور غوا مغربنی با دسته کلی بر مزار  
شهادت مدولی از طرف مردم "هو" شد. پس از اجتماع  
را هیما شایسته بطرف مرکز شهر با شعار "زندانی سیاسی  
یونسکو بی هیچ قید و شرطی آزاد با یگردد" (یونسکو  
نا مزدان در قبول است) شروع شده و با شعارهایی از  
قبیل: "جندی نگر گشته، دهها نفر زخمی، مرگ بر  
ارتجاع این نوکر آمریکا - انقلاب فرهنگی با جوت  
و جاق محکوم است - کشتار دانشجویان، توطئه  
آمریکاست" ادامه یافت. راهیما با در حین  
راهیما شایسته "عربستان سبب" بر مزار شهیدان  
در سخن حاضر شده و یاد او را گرامی داشتند. راهیما شایسته  
در شهر ادامه پیدا کرد و در جلوی شهر با شایسته  
رسد. در حین راهیما شایسته جفا قداران و عوامل ارتجاع



پیکارگر  
شهید  
حجت الله  
خوش کفا

نمایش کردند تا راهیما با شایسته را متفرق نازند و هر بار  
با این شعارها راهیما با شایسته: "دزگیری، درگیری،  
توطئه آمریکا، مرگ بر ارتجاع" روبرو شده و با مقاومت  
راهیما با شایسته را توطئه می‌شدند. انامی شهدا:  
غریب رضایی ۴۴ ساله، حاجت الله خوش کفا (از هوا -  
داران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر -  
مفرعی رزم ۱۱ ساله، محمل کلان پنجم ابتدایی،  
عبدالله با بادی ۴۲ ساله، شاهین دوشکن ۳۱ ساله  
ارکان سون پیکار از شغل نویسنده و شاعر

### روزنامه جمهوری اسلامی دروغ میگوید!

روزنامه جمهوری اسلامی در اشها ماتی  
بیشماری که طی یکسال گذشته به تیترهای انقلابی و  
کمونیستی (منجمله سازمان فاع) منتشر شده در شماره  
مورخ ۹ اردیبهشت خود، تبلیغات دروغ دیگری  
ترا شده و در سبب اشها ماتی و بیرون بردن طبقه زحمت  
از میدان تولید ثروت که ما از اقلیتها محکوم کرده و  
منحاصرتن اغالبی را کار ساز و کیهن استوار است به رژیم  
سابق شمریم. گفته است که سازمان ما سه نفر از عناصر را  
ماورانفجار در روزنامه جمهوری اسلامی کرده است!  
آری کسانی که ما را کیهن را از اقلیتها محکوم کرده  
آنها با داشتن زشت هم می‌دهند با بدهم با سرپوش  
کذاشتن بر حقایق آنان ذهن توده‌ها را منحرف سازند؟!  
آقایان اگر این دروغگو شایسته در منطق  
ما کبیا ولستی شما مجاز است. اگر شما برای ارتکاب  
چنین افتراها کلاه شمری هم درست می‌کنید و وقتها نه  
دروغها شایسته نظیر آتش زدن خرمن و صدمت دیگر را بر  
ما روا می‌دارید تا شایسته از ما هبت شما است و ما از این  
با بت طبیعتا کله‌ای ندادیم اما ما با یزیدانید این  
مردم اندک به لاخره قضاوت خواهند کرد و وقتی آگاه  
شدند جز دست زده سبب تا نخواهند زد، همچنان که  
هم اکنون نیز این کار را می‌کنند.  
ما یکبار دیگر و برای همیشه شغل بهرگونه  
تروریسم و آزادی کتی و اشها ماتی را کتی عمومی و  
بالاخره اینگونه طبیعتا شایسته که ما شایسته زید را از اساس  
محکوم می‌نمائیم و تا کید می‌کنیم که زحمتکاران و  
نمایندگان واقعی اشها ماتی انقلابیون کمونیست  
به راه خود، علیرغم دشواریها و مواضع اشها ماتی را دا می  
میدهند و شما آقایان بسیار رستیا و بلای "تقوی"  
نیز آزادی در راه خودتان به پیش بروید!

### حمله چماقداران به اجتماعات سیاسی را محکوم میکنیم!

مراسمی که بهمناسبت روزگداشت اول ماه مه  
از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در غرب  
تهران و "سازمان مجاهدین خلق ایران" در جنوب  
شرق تهران برگزار شده بود، توسط باندهای سیاه و  
قداره بندگان جمهوری اسلامی به آشوب و درگیری  
کشیده شد. در هر دو این میتینگها عده زیادی از هوا -  
داران سازمانهای فوق، زخمی و تعدادی نیز  
روا به بیمارستانها شدند.  
رژیم جمهوری اسلامی که تنها راه نجات خود و  
خلاصی از بحران عمومی سیاسی - اقتصادی فعلی را  
در سرکوب سازمان یافته و سراسری خلقها و نیروهای  
انقلابی جا معیافته است، همچنان با استفاده از  
کثیفترین شیوه‌ها، در جا ده خیا نه به خلقهای ایران  
بیش می‌نازد. موج جدیدی از یورش ارتجاع که  
اکنون "در سال امتیاز" بطور سراسری، در کردستان  
و دانشگاههای سراسر کشور دنبال میشود، بهیچوجه از  
حملات سازمان یافته‌ای که توسط چماقداران و جاق  
کشان جمهوری اسلامی در رابطه با اجتماعات نیرو -  
های سیاسی و میتینگها و اجتماعات آنان صورت می -  
گیرد، جدا نیست.  
سازمان ما، اشها ماتی باندهای سیاه به  
اجتماعات و نظهرات سیاسی را جزئی از سیاست رسمی  
رژیم جمهوری اسلامی ایران ارزیابی نموده و  
شدیداً آنرا محکوم می‌کند.

علمه خلقها بشان صحبت می‌کنند و برای مسئله ترمیم  
بقیه در صفحه ۷

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست